

# تاریخ تجارت

پرونده به مناسبت قاچاق و فروش  
اشیای عتیقه و احجار کریمه در بامیان

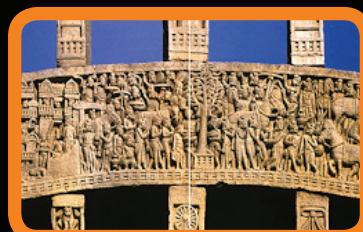
با آثاری از:  
علی امیری  
محمد جواد سلطانی  
محمد عزیزی  
دین محمد جاوید  
محمد جواد خاوری  
الباس طاهری  
رضا لعلی  
محمد احمدی

یادنامه یادرفندگان

## جاده ابریشم

هفتا-نامه

سال دوم • شماره ۹۱ • شنبه ۸ تور ۱۳۹۷ • ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ • قیمت ۲۰۰ افغانی



عصر ویرانه  
عقدنامه شهرناز (یادی از یک شکوه بر بادرفته)  
وجه تسمیه بامیان  
شهر غلغله  
شکافتن گورهای یک تمدن  
بامیان؛ ایوان تهی تاریخ و تمدن باستان!





## اهمیت تاریخی و باستانی بامیان

کچ رضا علی



تمدن‌های کهن بشری برای مطالعات انسان شناختی از جایگاهی بسیار ویژه برخوردار است. این‌که هزارها سال قبل بشر دست به ساختن تمدن زده اند و روند زندگی انسان‌ها با این تمدن‌ها متحول شد، مسأله مورد مطالعه در جوامع امروز است. در این میان بامیان یکی از این میراث‌های تمدنی است. بامیان قبل از تاریخ یکی از مکان‌های مهم در آسیایی میانه به شمار می‌رفته است و شاهان بامیان با گرایش‌های دینی مختلف و سبک زندگی سیاسی متفاوت فرمانروای می‌کردند. در عصر تاریخی به خاطر نقطه وصل هند، ایران و آسیای میانه نقش اساسی را در پیوند و وصل چند آیین و تمدن بازی کرده و به دلیل راه طبیعی، جمعیت قابل توجهی در آن ساکن شدند. درعصر «زور استری» که بلخ کانون آتش پرستی بود، بامیان نیز از حرارت دیانت و زبانه کشیدن شعله‌های آن از بلندی‌های هندوکش تحت تأثیر و زیر آن شعله‌های رهایی بخش قرار گرفتند. در عصر هخامنشی یکی از ولایات بنام« پاراپامیزاد» به حساب می‌آمد، اما بامیان با دیانت بودایی و سلطنت خاندانی کوشانی قابل توجه شد و تبدیل به یکی از اساسی ترین مرکز توریستی و عبادی بوداییان و به دلیل راه طبیعی میان شرق و غرب «راه ابریشم» محراق توجه جهانی قرار گرفت. بر مبنای تحقیقات موسیو، مادام گودار و پروفیسور هاکن:« شکوه و جلال بامیان در اوایل عهد مسیحی در زمان اقتدار بزرگترین امپراتور کوشانی یعنی کنیشکای کبیر شروع و در طی قرون بعد با سلطنت اولاده ی او به مراتب به ترقی و عظمت آن افزوده شده است.» بر مبنای مطالعات این پروفیسور:« هیچ روز نیوده است که قافله‌ها و مالتجاره هندی جانب باختر و اسباب باختری - سمرقندی - چینی جانب هند نمی گذشت جلال بامیان در اوایل عهد مسیحی در زمان اقتدار بزرگترین امپراتور کوشانی یعنی کنیشکای کبیر شروع و در طی قرون بعد با سلطنت اولاده ی او به مراتب به ترقی و عظمت آن افزوده شده است.» بر مبنای مطالعات این پروفیسور:« هیچ روز نیوده است که قافله‌ها و مالتجاره هندی جانب باختر و اسباب باختری - سمرقندی - چینی جانب هند نمی گذشت و هرکدام به نوبه خود در آنجا توقف نمی کرد و به قسم نذر و اعانه به معابد با شکوه این خطه چیز نمی‌داد». عبور راه ابریشم و توقف کاروان‌ها در بامیان نه تنها بامیان را به لحاظ اقتصادی غنی و تبدیل به یکی از بازارها منطقه‌ی کرده بود، بلکه در اختلاط و پربار شدن فرهنگ بامیان نیز تاثیر گذار واقع گردید. هیوان تسنگ سیاح چینی بامیان را بنام «فان یان نا» ذکر کرده است. سیاح چینی درسال ۶۳۲م از افغانستان عبور می‌کند و چشم دیدهایش را از بامیان نوشته است. امروز یکی از معلومات نسبتا معتبر در مورد بامیان سفرنامه این سیاح چینی است. در کتاب آثار عتیقه بامیان آمده است که:« هیوان تسنگ زوار چینی موقعی که از بامیان می‌گذرد افغانستان گرفتار بحران بزرگ نیم قرن هون‌های هفتالیت را گذرانیده و به دست شهزادگان ترکان مغربی اداره می شد. وقتی که به بامیان می‌رسد پادشاه محلی با وزرا، علما و دیگر نجبای مملکت به استقبال او بر آمده و به احترام تمام او را به قصر شاهی می‌برند و تا پنج روز از آنجا بیرون نمی‌آید.» به نقل از هیوان تسنگ قصر این شاه در دره فولادی طوری افتاده بود که فضای آزاد و دامنه تپه هردو را اشغال کرده و و سعت آن از «شش الی هفت لی» بودند. آثار این قلعه امروز به شکل سموچ در دره فولادی نمایان است، اما در اثر ساخت و سازهای زور مندان محلی در حال تخریب اند. بامیان در عصر که هیوان تسنگ از آن دیدن کرده است، یکی از مهمترین و بزرگترین مراکز دینی و صنعتی در تمام آسیا بوده است. هیوان تسنگ درخاطراتش نوشته است که ؛ « تزینات که قلم هیکل تراشان وخامه نقاشان در آن‌جا ایجاد کرده بود، معابد و طاق‌های مجسمه‌های بزرگ بودا با بهترین پارچه‌های ابریشمی و پرده‌های زربفت مزین بود. قسمت برهنه‌ی هیکل ۳۵ متری بودا مثل دست و پا و صورتش کامل از ورق طلا پوشیده شده بود ورور زیر اشعه‌ی زرین آفتاب چشم تماشا کننده را خیره می‌کرد و ساخت آن مثل از فلز و برنج تصور می‌شد.»

تندیس‌های بودا یکی از مهم‌ترین و در عین حال بزرگترین میراث فرهنگی بشری است که اهمیت تاریخی عظیم دارد. به روایت مورخان مجسمه ۳۸ متری بودا در قرن دوم و مجسمه ۵۲ متری در بین قرن دوم و سوم میلادی ساخته شده است که یکی را «خنک بت» و دیگری را «سرخ بت» می‌گوید. حاجی کاظم یزدانی در اثر خویش بنام پژوهش در تاریخ هزاره‌ها در باره بودا بامیان می‌نویسد:« در ابتدا این دو مجسمه بزرگ روگشی از طلا داشته اند، که احتمالا بعدها مسلمین روکش طلای آثرا بیرون کشیده اند.»

مجسمه‌های ایستاده بودا با شکوه و عظمت بسیار، توجه راهبان و صدها زوار را به خود جلب می‌کرد. سیاح چینی در سفرنامه اش آورده است:« در اطراف و جدار بزرگ که مانند خانه‌ی زنبور سوراخ خورده، هزاران چراغ و مشعل افروخته می‌شد و وقت به وقت آواز سهمگین ناقوس در فضا طنین می‌انداخت و انعکاس آن معبد به معبد به دره‌ی فولادی و ککرک صدا انداخته به مفاک دره‌های دور دست هندوکش و کوه بابا ناپدید می‌شد.» هیوان تسنگ از یک مجسمه بزرگ بودا نیز در سفرنامه اش یاد آوری کرده است که آن مجسمه بزرگ در هزار قدمی مجسمه های ایستاده بودا است که مجسمه مرده به شمار می‌رود و روی زمین «در نیروانا» یعنی قبر خوانده شده است. در ادامه نقل می‌کند که:« هرساله در موقع معین پادشاه بامیان با وزراء و ملازمین در بار و قاطبه‌ی اهالی و روحانیون در آنجا جمع شده و شاه هرچه از جواهرات و اشیایی مفاخره در خزاین خود دارد، همه را بنام بودا خیرات

**پروندهٔ به مناسبت قاچاق و فروش**

## اشیای عتیقه و احجار کریمه در بامیان

*سخن نخست*

## اهمیت تاریخی و باستانی بامیان

می‌کند. « مجسمه‌های ایستاده بودا که ۳۵ متر و ۵۳ متر بنام‌های شهنامه و صلصال مشهور بودند، در سال ۲۰۰۱ توسط گروه طالبان به صورت کامل ویران شد. هرچند بودا چندین بار در گذر تاریخ مورد حمله و تهاجم قرار گرفتند. در حمله اسلام به افغانستان و حمله عبدالرحمن به بامیان و سرانجام توسط گروه طالبان و به فرمان پاکستانی‌ها و سعودی‌ها با جابه جا کردند مواد انفجاری، بودا را منفرج کرد و بزرگترین عظمت تمدنی را با ویران‌گری و وحشی‌گری قرن بیست یکم به خاک یک سان ساخت. دره‌ی ککرک یکی دیگر از مکان‌های باستانی بامیان است که یک شاه نشین د-یگر بوده اند. تاریخ نگاران نقل می‌کند که در دره بامیان همزمان بیست شاه نشین زندگی می‌کرده و هرکدام سرگرم فرمانروای بوده است، اما مشکل سیاسی چندان جدی نداشته اند. در کتاب آثار عتیقه بامیان آمده است که:« دره ککرک همان طور که در تصویر دیده می‌شود عبارت از ماه نو طلایی است که در میان هرکدام آن تابه سفید(نقره‌ی) نصب است.» در این دره مجسمه بودای کوچک نیز وجود داشت که در زمان طالبان این مجسمه نیز ویران گردید .

شهر ضحاک نیز از جمله شهرهای باستانی و تاریخی بامیان است که در ۱۷ کیلو متری شرق بامیان قرار گرفته است. آب دره کالو و دره بامیان در دامنه‌ی آن به هم می‌پیوندد. قدامت تاریخی آن را به عصر بودایی در بامیان نگاشته اند، اما اکثر تاریخ نگاران قدمت تاریخی آن را مربوط به سالها قبل از آن می‌دانند. قلعه تاریخی ضحاک بسیار مستحکم بوده و در حمله چنگیز خان نبرد سخت در آن اتفاق افتاده است. شهر غلغله از مکان‌های مهم تاریخی بامیان است. این شهر مربوط دوران اسلامی است وبه احتمال در زمان «ملوک ششسبانیه» توسط ملک فخرالدین ساخته شده باشد. این شهر یکی از پایگاهی بزرگ فرهنگی در بامیان و مرکز اقتدار خوارزم شاهیان بوده است. اما در سال ۶۱۸ ه ق و ۱۲۲۰ م در اثر حمله چنگیز خان ویران گردید و بعدا قسمت از آبادی‌های باقی مانده آن در عصر عبدالرحمن‌خان در جنگ که علیه‌هزاره‌ها داشتند، به صورت کامل ویران گردید.

دره فولادی یکی دیگر از دره‌های مشهور و مرکز حکومت شیران بامیان بوده است. از این دره راهبان بودای بسیار دیدن کردند و خاطرات از آنجا به نگارش در آمده است. مکان مهم تاریخی دیگر بنام چهل برج یکاولنگ است. این قلعه تاریخی با سبک معماری بسیار پیچیده ساخته شده و زمان دارای شکوه و عظمت سیاسی و فرهنگی در میان چند تمدنی، آسیایی میانه، هند و ایران بوده است. این شهر امروز در اثر بی‌توجهی ویران و راز تاریخی‌شان به نیما برده شده است. علاوه بر این مکان‌های تاریخی در بامیان دره آهنگر، شهیدان، شهر بربر و … از جمله آبدات مهم تاریخی و فرهنگی بامیان اند که متأسفانه امروز در معرض نابودی قرار دارد و با دست کاری و تاراج آثار عتیقه بامیان ارزش فرهنگی خود را از دست داده و یا این ارزش در حال فروریختن است. مجسمه‌های فروریخته بودا هنوز شکوه یک تمدن را به نمایش می‌گذارد. شهر غلغله و ضحاک نماد یک از یک تمدن ویران و گذشته سیاسی با عظمت را در سیمای خود دارد. نور که از مغاره‌ها زمان روشنی‌ان آن تا دامن کوه بابا گسترش می‌یافت، امروز خاموش است. بامیان با این اهمیت و قدامت تاریخی، مورد هجوم و غارت بسیار قرار گرفت. اشنیا و جواهرات که در سموچ‌ها، مغاره‌های بودا و شهرهای تاریخی بامیان قرار داشته به بهانه‌های مختلف تاراج و آن آثار گرانبه‌ای تاریخی تجارت گردیدند. این‌که مسوول این تجارت و غارت کی‌است،نیازمند این هستیم که دربامیان کی‌ها حضور داشتند. بامیان در دوره‌های مختلف غارت شدند. از حمله اسلام به بامیان، چنگیزخان، حمله عبدالرحمن، حکومت مجاهدین و سرانجام با حمله طالبان و بعد از آن تمام آثار تاریخی بامیان نه تنها که به صورت کامل غارت شد، بلکه ساحات باستانی به شکل کامل نیز ویرانگردیدند. اگر به شهر غلغله و یا ضحاک برویم و از نزدیک سیمایی پاره پاره این شهرهای باستانی را ببینیم به خوبی غارت و تاراج را درک می‌کنیم. به خصوص در دوران طالبان و بعد از آن تحت‌نام‌های مختلف بنام‌های مابن یاک، کاوش‌های باستان شناختی و مطالعات ساحات باستانی، بامیان تاریخی را غارت کردند. بامیان با آن شکوه وعظمت دیروز، امروز سیمایی یک تمدن ویران را از خود به نمایش می‌گذارد. بناء باد در نظر داشت مطالعه آن شکوه و عظمت تاریخی، هفته نامه جاده ابریشم در ادامه پرونده‌های تحقیقی خود، به تمدن بر باد رفته(بامیان) پرداخته و پرسش‌های را مطرح کرده است که می‌تواند درشناخت، عظمت و سرانجام تاراج بامیان به عنوان مهمترین مرکز تمدنی افغانستان اثر گذار واقع گردد. هرچند بی‌توجهی دولت افغانستان و وزارت اطلاعات و فرهنگ نسبت به بامیان، دست قاچاق‌بران و تجاران آثار باستانی را باز گذاشته و این شهر تاریخی را مورد غارت قرار داده است، اما خلق پرسش و زمینه را برای احیای آن شکوه تمدنی فراهم می‌کند. مطالعه بامیان و این‌که به چی میزان مورد غارت قرار گرفته است، کار بس دشوار است. هفته نامه جادهٔ ابریشم از تمام دوستان، نویسندگان و محققین گرامی که همکاری کرده و در این امر راهنمایی‌های لازم را مبذول داشته است، ابراز امتنان می‌نماید. همچنان هفته نامه علاقه مند است که در ادامه پرونده‌های تحقیقی شان، را پیرامون تمدن‌های کهن این سرزمین مانند غزنین، بلخ، هرات و قندهار ادامه دهد و تا راه و زمینه‌ی برای مطالعه بیشتر فراهم گردد.

## وجه‌تسمیه بامیان

کچ دین محمد جاوید

بامیان این سرزمین اعجاب انگیز و اسطوره‌ای در میان دو سلسله جبال بزرگ هندوکش و بابا که بین خطوط ۶۷ درجه و ۲۹ دقیقه و۱۰ ثانیه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه ۲۲ثانیه عرض شمالی قرار دارد ، بامیان که یکی از عظیم‌ترین مناطق تاریخی شرق و به‌خصوص خراسان بزرگ به شمار می‌رود؛ در حدود ۳۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و شاخه جنوبی جاده پر آوازه ابریشم از این دره شاخ می‌گذرد. سلسله جبال هندوکش غربی در شمال و قله سر به فلک کشیده بابا در جنوب این شهر باستانی واقع‌شده است. پژوهشگران را باور براین است که «بانج هو» تاریخ نگار چینی، درسده اول میلادی نام بامیان را بصورت «هانج» ویا «هان» بکار برده است و سپس زائر چینی هیوان تسانگ برای اولین بار موقعیت وتاریخ بامیان را ثبت کرده است و پس ازوی درادبیات چین، بامیان با نام «فانگ یانگ» ویا«فان یان» خوانده شده است که این نام نزدیک به تلفظ امروزی «بام یان» یا «بامیان» است.

کلمه بامیان نه تنها در ادبیات چینایی‌ها بلکه در کهن‌ترین مضامین و آثار تاریخی جهان به‌خصوص چینایی‌ها، عرب‌ها، هندی‌ها، ارمنی‌ها، جاپانی‌ها و منطقه به شکل بامیکان، بامیک، فان، بانک، فان، میان و… یادشده و در نوشته‌های محققین ضبط گردیده و همان‌طور که دیده می‌شود فانمیان ازنظر لغوی به بامیان بسیار نزدیک است و احتمال می‌رود که (ف) به خاطر نزدیک بودن مخرج (ب) تبدیل به (ب) شده باشد و نون اول حذف گردیده «بامیان» شده است و همین‌طور در تاریخ آمده است: «تغییر (ک) به (ب ) در فارسی بسیار قدیم و در همان قرن پنجم صورت گرفته است.

کلمه (فان-یان) به‌خوبی هم‌وزن (بام-یان) است و به عقیده موسیوهاکن احتمال می‌رود که کلمه بامیکان در قسمت شرقی فلات ایران هزارستان در همان قرن پنجم بامیان تلفظ می‌شده است بامیکان «بامیان» خوانده‌شده، به معنای درخشان، روشن، زیبا و باشکوه «ریشه این کلمه در اوستا بامیه است و صفت «بامی» که به بلخ داده‌شده نیز از همین کلمه بامیکان مشتق شده است همان معنی درخشان را می‌دهد در دامنه کوه‌های غور هنوز یک نوع گل به نام (بامی) شهرت دارد و در کلمات بامداد زمینه بامین به‌روشنی دیده می‌شود. مثلاً مردم ما می‌گویند از بام تا شام یعنی از اول صبح تا اول شب که در این رابطه فردوسی شاعر بزرگ دربار غزنوی می‌گوید:

چو آگه شد از کار دستان سام / ز کابل بیامد به هنگام بام

شاید برخی به مناسبت این‌که در ولایت بامیان قرار دارند و در آنجا زندگی می‌کنند از این لحاظ به او بامی می‌گفتند. کلمه بامی مخفف بامیان هم هست که در این شعر ناصرخسرو به‌صورت بسیار روشن و شفاف بیان گردیده است:

همه کاخ پر موید و مرزبان / ز بلخ و ز بامی و از هر کنار چغانی و بامی و ختلان و بلخ / شده روز بر هرکسی تار و تلخ

به همین دلایل که گفته آمد: بامیان معنای بام و مکان بلند و جایگاه درخشیدن را می‌دهد. محققین و نویسندگان، خراسان را سقف جهان و بامیان را بام دنیا خوانده‌اند و بلخ را با تمام حشمت و عظمت و حتی دوره اسلامی که ام‌البلاد قوبه‌الاسلام می‌گفتند به بامیان نسبت داده و بلخ بامی می‌گفتند. «به معنای بلخ درخشان، چه بامی به فارسی قدیم به معنای درخشیدن بود و کلمه بامداد نیز از آن ریشه است. بامیان به حدی مقام بلند و رفیع داشته که بلخ را با تمام حشمت و آوازه‌اش آن‌سان که فرزند را به پدر نسبت می‌دهد بلخ را به بامیان نسبت می‌داده‌اند. شهر بلخ را به مناسبت نزدیکی به بامی (بامیان) بلخ بامی گفته‌اند که در این رابطه فردوسی گفته است:

چه از بلخ بامی به جیحون کشید / سپاهی که هرگز چنان کس ندید.

دقیقی شاعر دقیق نظر نیز در این رابطه گفته است:

بدو گفت چندین چرا ماندی / خود از بلخ بامی چرا راندی سپاهی ز ترکان بیامد به بلخ / که شد مردم بلخ را روز تلخ

بلخ را «بلخ بامی» گفته‌اند، چون بامی نام ملکی است که در افسانه‌ها از یک جایگاهی اسطوره‌ای برخوردار است و این شهر در میان سلسله جبال هندوکش و بابا قرار دارد و همین‌طور در فرهنگ لغات شاهنامه آمده است: «بامیان نام شهری است از توران زمین و در جاهلیت بلخ را به سبب نزهت و خوشی معموری و آراستگی آن «مешوق» می‌خواندند و در دوران اسلامی دارالفقاهه، دارالعلم، قبه‌الاسلام و ام‌البلاد می‌گفتند. با همه این شهرت‌ها بلخ به بامی نامیده شد بامی که گفته شد بامی هم همان بامیان است و «کلمه بامیان قدیمی‌ترین جایی که دیده‌شده و به ما رسیده است. در «کتاب پرهشت» که به زبان پهلوی است و مربوط به قرن سوم میلادی و درباره آفرینش آغازین، بامیان به شکل «بامیکان» ضبط‌شده که در منابع چینی قبل از اسلام، بامیان را «فان‌میان» می‌گفتند ؛ در حدود ۲۰۰ سال قبل از هجرت پیا میر (ص ) در تاریخی ارمنستان موسی خرنی لفظ بامیکان آمده، در کتب جغرافیایی عرب که قدیمی‌ترینشان «المالک الممالک» ابن خردادبه است از قرن سوم و هم‌چنین در کتب دیگر مالک مثل تقریب یا حدود العالم که به زبان فارسی است، جایی از شاهان و فرمانروایان بامیان یاد می‌کند. پس معلوم می‌شود که فرمانروایان بامیان به لقب شیر یاد می‌شدند. مثلی که شاهان عرجستان را با لقب یا عنوان «شار» یاد می‌کردند و ناصرخسرو بلخی دراین‌باره گفته است:

ایستاده بودی به بامیان شیری / بنشسته به غر شه شاری بر هر طرف نشسته هشیاری / گسترده به داد و عدل آثاری

بامیان که برسر راه ابریشم قرار داشت، به تدریج به مرکز تجاری، مذهبی مهمی بدل شد. چنانکه هیوان تسانگ، راهب بودایی چینی که دراوایل سده هفت میلادی از بامیان دیدن کرده است، درگزارشهای خود از دهها معبد بودایی که درآنها هزاران راهب به عبادت مشغول بودند، یاد می‌کند. موقعیت بامیان وثروتی که از راه آمد ورفت زوار وبازرگانانی که ازآنجا عبورمی کردند وداد و گرفت که در آنجا صورت می گرفت به دست می آورد به همین دلیل بامیان یکی از بزرگترین مراکز آیین بودا تبدیل گردید وآثاری بدیع از هنر بودایی درآنجا پدید آمد که تعجب هر بیننده ای را برمی انگیزد. باید گفت:

یک جهان اعجاز دارد بامیان / سینه پر راز دارد بامیان گنج ها در قلب این ویرانه هاست / سنگ‌سنگش راوی افسانه‌هاست

- قاموس جغرافیای افغانستان، انجمن آریانا دائرةالمعارف، صفحه ۳۳ ناشر: موسسه نشر و پخش سرور سعادت کابل چاپ اول، ۱۳۸۹.
- آثار عتیقه بامیان در هزارستان ص ۲۲ موسیوگودار و خانم گودار و پروفسور هاکن ترجمه احمد علی‌خان (زیر نظر هیأت تحقیقی باستان‌شناسی فرانسه) ناشر: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ۱۳۷۲
- جاوید، عبدالاحمد، هفته‌نامه وحدت، شماره ۳۷۰، پنجشنبه ۹ حمل ۱۳۸۰ ه ش
- ( جاوید، دین محمد، مجله بامیان سال دوم جوزای ۱۳۷۸ شماره پنجم، ص ۲۵، چاپ ایران
- ( فرهنگ لغات شاهنامه، ص ۵۸.
- ( فضائل بلخ، ص ۹۵، چاپ ایران ۱۳۴۱
- جاوید، عبدالاحمد، هفته‌نامه وحدت شماره ۳۷۰ پنجشنبه ۹ حمل ۱۳۸۰ ه ش







آشنا است و کهن سالان بامیانی شاید بتوانند آن را تشخیص دهند. باغ و سرای و نوع درختانی که بر سر هر قطعه زمین بوده است هم ذکر شده است. مثلاً در مورد درختان زمین براکوه آمده است: «درختان که در براکوه است سپیدار و غیر آن» است و در جای دیگر که درخت زردآلو بوده هم از نوعیت آن تذکر رفته است. مساحت زمین را به «تیر» مشخص کرده است و من نمی دانم که منظور از تیر چه است و کدام نوع تیر واحد مساحت و اندازه گیری در هزاره جات بوده است. پس از ذکر تمام قطعات نوشته است: «جمله این همه از چهل و چهار تیر، هفت تیر مشاع ناخیش کرده» است. در ذکر حدود اربعه نام صاحبان زمین را به تفصیل ذکر می کند و جالب است که در میان مالکان زمین زنان نیز وجود دارد و مالکیت شان بر زمین در نظام حقوقی وقت امر معروف و پذیرفته شده بوده است. در مورد حدود قطعه ناوک آمده است: «زمین ناوک را دو حدش جوی مادیان سه دیگر حدش زمین دیدن عمیق و زمین عبدالرحمن بن علی. چهارم حدش زمین والده عبدالرحمن بن علی.» زمین عبدالرحمن بن علی و زمین مادرش از هم تفکیک شده است و توجه کنیم که تفکیک ملکیت حکایت از پیچیدگی نظام حقوقی و رشد اجتماعی و فرهنگی دارد. از برادر داماد به عنوان دهقان بن شاه بن منصور نیز مکرر یاد می شود و به زمین و ملکیت او به عنوان یکی از حدودات اشاره می شود. به باغ و درختان علی بن شاه نیز اشاره شده است که لابد برادر دیگر داماد بوده است. مشخصات باغ ها و سرای های متعلق به هر قطعه زمین نیز هر کدام جداگانه یاد شده است. در پایان شیوه قبض املاک نیز با جزئیات و تأکید تذکر داده شده است: «بستد شهرناز بنت صلوک بن ابونصر از شوی خود الیاس بن شاه بن منصور از جهت کابین، جمله این زمین ها، درختان باغ، سرای ها که حد کردیم، وصف کردیم، از جمله تیر هفت تیر مشاع ناخیش کرده». به حقایق و حیرت و دیگر موارد نیز با تفصیل اشاره شده است. و به نوعی تکرار یادآوری کرده است که شهرناز این املاک را از «شوی خود از جهت کابین بخرد». این بدان معنا است که شهرناز با سه هزار درهمی که از بابت کابین بر ذمه شوی خود داشته است، این املاک را از او خریده است. در نتیجه این سند در عین حال هم سند ازدواج و تعیین مهر است و هم سند خرید زمین از الیاس توسط شهرناز. به این نکته در پایان سند از قول شهرناز تأکید و تصریح شده است: «سه هزار درم آنچه نیمه باشد یک هزار و پانصد درم. از جمله این سه هزار درم کابین که مرا با شوی خود الیاس بن شاه حق بود، بدین حصه زمین های، درختان باغ، سرای های که نامزد کردیم [ذکر کردیم]، وصف کردیم، حد کردیم با همه حق های وی، مشاع خریدم بدین سه هزار درم.» نویسنده از باب تصریح و توكید آورده است: «و این شهرناز بنت صلوک این حصه زمین های باغ، درختان، سرای های در قبض خود گرفت، گرفتن که آن را بازگشتن نباشد.» از این گرفتن بی بازگشت بی عنوان «قطع خصومت» تعبیر شده است که بایستی آن را به عنوان ختم دعوا و ادعا بفهمیم. خصم در قدیم یکی از دو طرف معامله معنا می داد و در این متن به همین معنا به کار رفته است. بدین سه هزار درم کابین قطع کردم. مرا از جهت کابین تا به شوی خود الیاس بن شاه بن منصور خصومتی نماند نه بدین جهان و نه بدان جهان. اگر کسی دعوی کند باطل باشد. هر حقی که مرا بود در گردن شوی خود، الیاس بن شاه، همه بدین حصه زمین های، درختان باغ، سرای های قطع کردم.» جالب است که الیاس از صحت مالکیت خود بر زمین و املاک نیز تضمین می دهد و دفع دعاوی احتمالی بعدی را بر ذمه می گیرد و در صورت عجز و ناکامی حاضر است که بهای املاک را به شهرناز باز دهد: «اگر کسی دعوی کند حصه این زمین های را، درختان را، باغ را، سرای ها را، دعوی باز دارم، و اگر به علم عاجز شوم بهای آن باز دهم.»

این سند سزاوار مطالعه بیشتر از جوانب و دیدگاه های مختلف است. تا اینجا قدر مسلم این است که در زمانی که این سند تدوین شده است زنان نه تنها از حق مالکیت، حرمت بسزا و ضمانت حقوقی و اجرایی لازم از حق شان برخوردار بوده اند، بلکه این «کابین نامه» یادآور نوعی شکوه و شوکت رشک برانگیز است. از فرهنگ اقتصادی و حقوقی حاکم بر روح عقدنامه پیاداست که این زوج بامیانی، هر دو، لابد از خاندان محتشم، ریشه دار و متمکن بوده اند، اما نجابت خاندانی نیز تاز بر آغوش شکوه و فرخندگی زمانه امکان شکوفایی می یابد. عقدنامه شهرناز تنها بازتاب حشمت و فرهنگ خاندانی این زوج بامیانی نیست، بلکه نشان دهنده شوکت و شکوه روزگار شان نیز است. درست است که شهرناز بامیانی کلی باغ و سرای و زمین و املاک کابین خویش می گیرد، اما این سند بیش از همه بازتاب یک فرهنگ اقتصادی و حقوقی و بنابراین، بیش از انعکاس تمکن شهرناز و الیاس، منعکس کننده روح زمانه است؛ زمانه که متأسفانه دیگر نیست و حتی خاطرات و آثار آن را نیز دستان بی مروت یغما و غارتگری از ما گرفته است. تعبیر کردن از هر نوع اسناد به «خط» نیز اصطلاحی است که در هزارجات تا کنون رایج است. این سند یا به قول نویسنده «خط» اینگونه به پایان می رسد: «و این خط نبشته آمد به عقل تمام، به طوع، برغبیت، بیکره تا دست وی حجت باشد به گواهی کسه های که نامهای خود به آخر این خط مسما کردند. و این خط نبشته آمد هفده روز گذشته از ماه ذوالقعدة سنه سبعین و اربع مائه.»

سند یاد شده را استاد فقید سرور همایون در شماره یاد شده مجله آریانا نشر کرده است و برابر گزارش همو اصل سند که از بامیان به دست آمده بوده، در ملکیت مرحوم علی احمد کهزاد قرار داشته است. هم بنا به همین گزارش، یک دانشمند شرق شناس ایتالیایی به نام اس. کارشیا این سند را با مطالعه انتقادی تحت عنوان «گزارش ابتدایی در باره یک سند فارسی حقوقی پیدا شده در بامیان در سال ۱۷۰» در مجله «شرق و غرب» در سال ۱۹۶۳ به زبان انگلیسی نشر کرده است. ما تنها اشاره به این سند که بی شک یادگاری از دوره های شکوه و جلال افسانه ای بامیان است، کردیم. مطالعه سند از جوانب مختلف می تواند پرتوی بر زوایای تاریخ هزارجات و غور و غرچستان افکند. سند همچنین از لحاظ سبک شناسی و تحول نثر فارسی هم سزاوار مطالعه است که اکنون در توان من نیست. اشاره اجمالی من تنها در حکم تجدید خاطره شهرناز بامیان بود، خاطره تلخی که تنها یادآور یک شکوه از دست رفته است. بامیان کنونی در زیر آوارهای آن نيمرخي نفس می کشد که کابین نامه شهرناز به ما نشان می دهد. می دانم که تذکر این عقدنامه در این دوران نکبت و فلاکت، رشک همه دختران بامیان را نسبت به سعادت شهرناز و حسرت همه ما را نسبت به شکوه و شوکت پارینه بامیان که اکنون همه دارای معنوی و هویت فرهنگی و تاریخی آن دیرهاست که در معرض یغما و نابودی است، برمی انگیزاند. اما بادا که این درخشش های گذرایی که گاه و از سر تصادف از گذشته بامیان خود را به ما نشان می دهد، حس مسئولیت همه ما را در برابر هویت تاریخی و فرهنگی این شهر تحریک کند و بدانیم که جز ویرانی و غارت و تجارت، مسئولیت دیگری هم در برابر آن داریم. والسلام.



# عقدنامه شهرناز (یادی از یک شکوه برباد رفته)



کلی علی امیری

دوستان گرامی هفته نامه فرهنگی - اجتماعی «جاده ابرایشم» با اصرار و ابرام آمیخته با لطف و حسن نیت، از این بنده بی بضاعت درخواست کرد که در «یادنامه شهر بامیان» این هفته نامه چیزی بنویسم. دیرها به تردید و تعلل گذراندم چون چیزی به ذهنم نمی رسید. معلومات من در باره بامیان از حد معلومات عمومی فراتر نمی رفت. من، نه از سابقه تاریخی و فرهنگی این شهر چیزی به درد بخور و در حد تخصصی یا نیمه تخصصی می دانم و نه در جریان جزئیات مصایب و غارتگری هایی که شوخ چشمی های روزگار و خودسری های زمانه، در دوره های اخیر بر سر این شهر آورده است، قرار دارم. به اجمال می دانم که بامیان در طول تاریخ خود، آن مایه غربت و محنتی که در عهد ما تجربه کرده است، هرگز به خود ندیده است. بوداهای بامیان را ملای تک چشم منفجر کرد، اشیاء عتیقه اش را مافیای محلی و قاچاقچیان بین المللی غارت کردند و آثار باستانی را بی کفایتی و بی توجهی مسئولان عرضه یغما و تاراج قرار داده است و اکنون در زیر آوار آن شوکت اسطوره ای یک ده نیمه ویران، با جمعیت اندک، فقر بسیار و مصایب بی شمار و گرفتار آمده در دام آرزو و طمع به سختی و دشواری نفس می کشد. من جز این چیزی نمی دانستم و نمی دانم و در اندیشه بودم که به درخواست و اصرار اولیاء هفته نامه «جاده ابرایشم» چه بنویسم که از حسن تصادف به یاد متنی با عنوان «کابین نامه» افتادم که مدتی پیشتر به آن برخورده بودم و اکنون خوش هستم که با معرفی آن، هم درخواست آن دوستان اجابت می شود و هم، از این رهگذر، یاد یک شکوه دیرینه و شوکت از دست رفته را تجدید می کنیم.

داستان به زمانی بر می گردد که من در «کتابخانه عامه» در لابلای مطبوعات دهه های سی و چهل در جستجوی مقالات استاد شهید مرحوم محمد اسماعیل مبلغ بودم و در شماره قوس و جدی سال ۱۳۴۳ مجله «اریانا» به نوشته با عنوان «کابین نامه» برخوردم. این کابین نامه یک سند حقوقی مربوط به عقد ازدواج یک زن و مرد بامیانی است که در سال ۴۷۰ هجری قمری، به زبان فارسی در بامیان نوشته شده است. نام چند تن از شاهدان وثیقه نیز در ذیلی سند آمده است و به قرینه عبارت «شهید احمد بن احمد بن علی و کتب» باید همین احمد بن احمد بن علی را نویسنده آن بدانیم. نام بانویی که ازدواج کرده است شهرناز بنت صلوک بن ابونصر است و از شوهرش به نام الیاس بن شاه بن منصور یاد شده است. در آغاز، سند این گونه معرفی شده است: «این خلیست که نبشته آمد بران سبیل که خواست الیاس بن شاه بن منصور... شهرناز بنت صلوک بن ابونصر بزنی به نکاح درست صحیح، چنانکه خدای تبارک و تعالی فرمود و محمد رسول». سپس مبلغ کابین را به تفصیل شرح می دهد که خود از یک نظام حقوقی پیچیده و ساخت یافته حکایت دارد. «اصل کابین سه هزار درم، آنچه نیمه باشد یک هزار و پانصد درم بداد آن.» این ذکر نصف مبلغ برای استحکام سند و جلوگیری از جعل و دستکاری است و در سند نویسی عرفی در هزارجات تا کنون بسیار رایج و شایع است و من خود از این دست اسناد بسیار دیده ام. به موجب این سند که نویسنده در آن اصل مهر را سه هزار و نیم آن را هزار و پانصد ذکر کرده است، می توان گفت ریشه این شیوه نگارش اسناد حقوقی که وجوه مالی در آن ذکر می شده است، بسیار قدیمی بوده است. اما این سه هزار درم کابین شهرناز نه پول نقد که چهار قطعه زمین بوده که با تفصیل و جزئیات بسیار ذکر حدودات و مشخصات آن در سند آمده است: «جمله این کابین چهار پاره زمین اندر شهر بامیان به محلت چهار ده به دشت فنج بهار... است. آنگاه هر قطعه جدا جدا با نام ذکر و حدود اربعه آن را بیان شده است. نام های این چهار قطعه زمین به ترتیب «حداحی» (۲)، «ناوک»، «زیر جوی» و «براکوه» ذکر شده است که برای من نا



به اجمال می دانم که بامیان در طول تاریخ خود، آن مایه غربت و محنتی که در عهد ما تجربه کرده است، هرگز به خود ندیده است. بوداهای بامیان را ملای تک چشم منفجر کرد، اشیاء عتیقه اش را مافیای محلی و قاچاقچیان بین المللی غارت کردند و آثار باستانی را بی کفایتی و بی توجهی مسئولان عرضه یغما و تاراج قرار داده است و اکنون در زیر آوار آن شوکت اسطوره ای یک ده نیمه ویران، با جمعیت اندک، فقر بسیار و مصایب بی شمار و گرفتار آمده در دام آرزو و طمع به سختی و دشواری نفس می کشد.





# تجارت تاریخ

پروندهٔ به مناسبت قاچاق و فروش  
اشیای عتیقه و احجار کریمه در بامیان

● سال دوم ● شماره ۹۱ ● شنبه ۸ تور ۱۳۹۷ ● ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ ● قیمت: ۲۰ افغانی



سرپرست ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان؛

## آثار زیادی از بامیان با موترهای بار و الاق به پاکستان قاچاق شده است.

(گفت‌وگوی اختصاصی هفته‌نامه «جاده ابریشم»  
با احمد حسین احمدپور، سرپرست ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت بامیان)

گفت‌وگو: الیاس طاهری

رییس صاحب تشکر که حاضر به گفت‌وگو شدید. در ابتدا بگویید که کار مرکز فرهنگی بامیان به کجا رسیده و چند فیصد کار شده است؟ تشکر از شما. فاز اول مرکز فرهنگی بامیان که شامل دو تعمیر است ۷۵ درصد کار آن تکمیل شده و امیدوارم تا آخر سال ۲۰۱۸ تمام شود. امیدواری‌هایی وجود دارد که در قسمت فاز سوم و چهارم آن هم دوندیایی شده و امیدوارم بودجه پیدا شود تا به صورت کلی کار ساختمانی آن تکمیل شود.

بخشی از مرکز فرهنگی بامیان شامل موزیم می‌شود، این موزیم برای نگهداری آثار عتیقه که قبلا در دوران جنگ و جهاد تخریب شده و یا در مکان‌های نامناسب نگه‌داری می‌شود چقدر اهمیت دارد؟

همان‌گونه که از نامش پیداست این تعمیر مرکز فرهنگی است و یک قسمت آن برای مرکز تحقیقاتی علمی ساخته شده که بیشتر آثار تاریخی کشف شده در آنجا به نمایش گذاشته خواهد شد تا برای تحقیقات باستان‌شناسی استفاده شود. گرچند تمام بخش‌های این تعمیر دارای اهمیت خاص است؛ سالن‌های تیاتر، آموزش و کتاب‌خانه مجهز در نظر گرفته شده و هم‌چنین تحقیقاتی علمی-باستان‌شناسی که در آن‌جا هست به نحو موزیم است که آثار تاریخی بامیان در آنجا مورد تحقیقات قرار گیرد. تاهنوز آثاری که در دسترس ما قرار دارند در دیووها نگهداری می‌شوند. ما هم عجله به این داریم که هرچه زودتر کار آن تکمیل شده و آثاری که جای فعلی آن‌ها خیلی مناسب نیست به جای مصوون انتقال بدهیم. هدف بعدی ما در مرکز فرهنگی، جزب توریست و گردشگران داخلی و خارجی استند به خاطر که موزیم بیشترین بازدیدکننده‌ها را دارند.

بامیان یکی از شهرهایی است که دارای ماستریلان فرهنگی می‌باشد. تا چه اندازه ماستریلان فرهنگی بامیان تطبیق شده و آیا مشکلاتی هم وجود داشته که ریاست اطلاعات و فرهنگ و اداره محلی با آن برخورد داشته باشد؟

بامیان در سطح افغانستان تنها شهری است که در کنار ماستریلان شهری ماستریلان فرهنگی دارد. تاکید هم بر این است که تمام موضوعات شهری باتوجه به ماستریلان فرهنگی تطبیق شود. ماستریلان شهری بامیان خیلی جامع نبود؛ شاروال بامیان و رییس شهرسازی و معاون ولایت در دانشگاه فلورانس رفتند که ماستریلان شهری بامیان در آن‌جا ساخته شود تا یک ماستریلان شهری جدی در نظر گرفته شود. خیلی خوب بود که از اداره اطلاعات و فرهنگ هم در آن‌جا می‌رفت؛ تا زمانی که ماستریلان شهری طبق ماستریلان فرهنگی نباشد زحمتی که روی آن کشیده می‌شود موثر نخواهد شد.

در قسمت تطبیق ماستریلان فرهنگی ما هر ازگاهی دچار مشکل هستیم؛ باتوجه به اینکه تراکم نفوس بیش از حد در مرکز بامیان صورت گرفته و تمام ساخت‌وسازهایی که صورت گرفته به نوبه خود مشکل ایجاد می‌کند.

اداره اطلاعات و فرهنگ تنها اداره‌ای است که همواره کوشش کرده ماستریلان فرهنگی را به هرنحوی تطبیق کند. ما در چوکات این اداره یک قطعه ۰۱۹ که به صورت مشخص از ساحات تاریخی و آثار باستانی استند کوشش کردیم که ماستریلان فرهنگی را تطبیق کنیم و این خیلی وقت‌ها در تقابل با ماستریلان شهری قرار می‌گیرد. ما به‌هر نحوی در تفاهم با دیگر ادارت و هم‌چنان حمایت والی بامیان کوشش کردیم که ماستریلان فرهنگی بامیان در اولویت قرار داشته باشد و تمام پلان‌های شهری با توجه به مفادات ماستریلان فرهنگی باید تطبیق شود.

در چند سال اخیر اداره محلی بامیان برای تطبیق ماستریلان فرهنگی جدی عمل کرده و تا حدود موفق هم بوده است. اما در برخی موارد شکایت‌ها هم وجود داشته که گویا ماستریلان فرهنگی نقض شده. از جمله جاده‌ای که جدیدا در تپه الماس ساخته شده و شهرک «زرگران» را با شهرک دشت «عیسی خان» وصل می‌کند از نظر ماستریلان فرهنگی ساحه سرخ و سبز را در بر می‌گیرد که انکشاف صورت گرفته نظر شما در این مورد چیست؟

هنگامی که من مسوولیت ریاست اطلاعات و فرهنگ نداشتم روی این مساله بحث می‌شد که سرک کشیده شود یا نه؟ من شدیدا نگرانی خود را به‌عنوان کارمند اداری اطلاعات و فرهنگ بامیان ابراز کردم. به‌هر حال این سرک کشیده شد، هنوز هم این سرک پخته نشده و احیانا اگر این سرک پخته شود مورد نگرانی شدید است؛ ما امیدواریم شاروال بامیان و اداره محلی تصمیم در پخته کردن این سرک نگیرد که در آن‌جا ساحات تاریخی و مغاره‌های دوره بودایی روبه‌روی شهر غلغله است؛ سرک از نزدیکی همان مغاره‌ها گذشته و در پهلوئی آن مطلق ساحه سبز است که در ماستریلان فرهنگی هم تاکید بر حفاظت از ساحه سبز بامیان است. ما زمانی بامیان را یک چهره فرهنگی داریم که ساحه سبز به‌همین گونه که است حفظ شود و اگر ما ساحه سبز را از بین ببریم ساحه سرخ یا ساحه‌ای که آثار باستانی در آن‌جا موقعیت دارد زیبایی خود را از دست می‌دهد. حالا سرک از این ساحه گذشته و باهم ما امیدواریم که باتوجه به مفادات ماستریلان فرهنگی بامیان این سرک یا سنگ‌کاری شود و یا هرکاری را که در اینجا انجام می‌دهیم ماستریلان فرهنگی را در نظر بگیریم.

در گذشته شکایت‌هایی وجود داشت مبنی بر قاچاق آثار باستانی که تنها در سال ۱۳۹۶ سه بار نیروی‌های امنیتی قاچاق‌چیان را با دستگاه‌شان گرفتند و آیا هنوز هم شما نگرانی دارید که قاچاق صورت می‌گیرد و یا اینکه جلوگیری شده است؟

البته در سال ۱۳۹۶ نیروهای امنیتی بامیان پیش از اینکه قاچاق‌چیان جایی را حفاری کند و در ساحات باستانی بروند با وسایل شان دستگیر شدند. ما خیلی موارد خاص را از کاوشگری‌های خودسرانه در بامیان نداریم. در سالروز تخریب بودا ما یک مورد خیلی جدید را از



آدرس ریاست اطلاعات و فرهنگ ابراز کردیم که ما باید به دنبال آثار قاچاق شده بامیان در زمان تخریب بودا باشیم. زمانی که موزیم داشته باشیم و اعمار موزیم را هم به وزارت اطلاعات و فرهنگ پیشنهاد کردیم که به احتمال قوی موزیم بامیان ساخته می‌شود و هم اخیرا هیئت چینیایی که در بامیان آمده بود به‌شمول سفیر چین از این آدرس هم پیشنهاد کردیم که موزیم در بامیان ساخته شود؛ چون احداث یک موزیم در بامیان یکی از ضرورت‌های مهم است. باتوجه به اینکه ما فعلا هم آثار خیلی زیادی داریم که در موزیم به نمایش بگذاریم از طرف دیگر کشورهای زیادی علاقه‌مند استند که بامیان موزیم داشته باشد. یونسکو طی سال‌های آینده روی حفاری‌ها و کاوشگری‌ها در ساحات تاریخی بامیان کار خواهند کرد تا آثار بدست آمده در موزیم نگهداری شود. ما در سالروز تخریب بودا پیشنهاد کردیم که به‌جای تبلیغات بی‌جا به دنبال قاچاق آثار تاریخی بامیان قبل از تخریب بودا در زمان تخریب بودا باشیم. چون مستندات زیادی وجود دارد که آثار زیادی از بامیان قاچاق شده‌است؛ مثلا با موترهای باربری و الاق/ مرکب به پاکستان قاچاق شده است. مه فکر می‌کنم تعداد زیادی این آثار در زمان تخریب بودا هم قاچاق شده و ما باید یک کمیابین سراسری راه بیندازیم برای جمع‌آوری آثار دزدی شده و قاچاق شده از بامیان. در سال گذشته تقریبا ۱۰۰ قلم آثار باستانی را یک کسی جمع‌آوری کرده بود و برای حکومت افغانستان تسلیم کرد؛ تعداد زیادی این آثار مربوط ولایت بامیان بود؛ از ۱۰۲ قلم نصف آن از ولایت بامیان بود. فعلا خیلی نگرانی جدی در مورد قاچاق آثار تاریخی بامیان نداریم. منتها آن‌چه که قاچاق شده در زمان طالبان و قبل از آن هرچه که بوده اگر این آثار توسط کمیابین‌های سرتاسری باتوجه به اینکه بامیان از میراث‌های فرهنگی جهان است؛ یعنی متعلق به تمام مردم جهان و هرکس بتواند مسوولیت خود را ادا کند تا اینکه یک موزیم قوی در بامیان داشته باشیم.

**یعنی در گذشته قاچاق صورت گرفته و شما فکر می‌کنید در حال حاضر توجه بیشتر صورت می‌گیرد؟** در مورد اینکه ساحات فعلا به‌صورت مطلق تحت کنترل است. نیروهای امنیتی با ما همکاری دارند. در مرکز و در ولسوالی‌ها به‌صورت دوامدار با مردم و نیروهای امنیتی در ارتباط هستیم که فعلا کدام کاوشگری خودسرانه در ساحات نیست، و اما آن‌چه که برای ما قابل نگرانی است فرسایش تمام ساحات تاریخی بامیان است نه‌تنها بودای بامیان که همین لحظه شهر ضحاک و شهر غلغله مورد فرسایش خیلی جدی قرار دارند. هرچه ساحات که شامل لیست تاریخی جهان است و هم ساحاتی که شامل لیست نیست؛ یعنی تمام ساحات تاریخی بامیان، صرف تندیس شهنامه در سال‌های گذشته یک مقدار ترمیم شد که خیلی جواب‌گو نیست. باتوجه به تخریب و صدمه که آن‌ها دیده بودند نیازمند این است که بیشتر روی ترمیم بودای بامیان و ساحات تاریخی کار صورت بگیرد، در غیر آن اگر این‌گونه پیش برود و دوام کند که حکومت افغانستان و وزارت اطلاعات و فرهنگ توجه خیلی جدی ندارد و یونسکو هم فعلا کدام بودجه‌یی در مورد بامیان ندارد که روی ترمیم ابدات تخریب شده کار کند. ما توجه تمام دست‌اندرکاران امور را در این قسمت خواهیم که ساحات تاریخی بامیان را به‌نحوی مرمت کنند و از فرسایش بیشتر جلوگیری شود.

**اداره محلی و ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان از هیئت چین که در همین روزها در بامیان آمده بودند چه بود و آن‌ها چه پلان‌هایی در مورد بامیان داشتند؟** البته وعده‌هایی که سفیر چین داده خیلی جدی نبود. هیئت تحقیقاتی که از چین آمده‌اند کار خود را سر از فردا آغاز می‌کنند که بیشتر روی رنگ‌های روغنی و آثار تزئینی بامیان کار خواهند کرد. پیشنهاد و خواست ما هم از سفیر چین و هم از هیئت علمی که از دانشگاه لانگ هوانگ آمده این بود که بیابید هم‌راه اداره محلی بامیان و ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان یک مقدار کار عملی را انجام بدهید تا اینکه ما در قسمت مرمت و ترمیم ساحات تاریخی بامیان کاری کرده باشیم در غیر آن یک سری و تحقیقات ابتدایی را هرکس و به صدها مرتبه از کشورهای مختلف آمده و انجام داده‌اند. باید کار عملی صورت بگیرد و ساحات تاریخی بامیان ثبت و سجیل شود تا از فرسایش بیشتر جلوگیری شود.

**در قسمت ساخت و ترمیم بودا چطور؟** در قسمت ساخت و ترمیم بودا مطرح شد که یکی از مجسمه‌ها دوباره ترمیم شود. هرچند نشست‌های متعددی که در کشورهای متخلف صورت گرفته از جمله سیزدهمین و چهاردهمین نشست متخصصین بامیان در آلمان و جاپان صورت گرفت و آنجا هم وعده‌هایی صورت گرفت که باید «شهنامه» دوباره ساخته شود. در آن قسمت ما هم می‌خواهیم کار آغاز شود و این بیشتر یک نظر تخصصی بوده که نظر جمعی و جهانی را می‌خواهد. در غیر آن اگر نظر ما را بخوانند ما خواهان این هستیم که هردو (شهنامه و صلصال) یا یکی از تندیس‌ها دوباره بازسازی شود که در قسمت جذب توریست و اهمیت تاریخی و باستانی بامیان نقش به‌سزا خواهد داشت.

**در قسمت قاچاق اگر بیشتر معلومات دهید که قاچاق‌چیان داخلی بوده و یا خارجی و با کی‌ها ارتباط داشته، آیا وابسته به گروه‌های سیاسی خاصی بوده‌اند؟** خوب ریاست امنیت ملی و قومندانی پیش از اینکه قاچاق‌چیان اقدام کنند و به ساحات باستانی برسند دست‌گیر شدند که بیشتر داخلی‌ها بودند؛ بنام شرکت‌ها بنام افراد و این و آن...، اما پیش از اینکه آن‌ها به حفاری آغاز کنند دست‌گیر شدند.

**کسانی بنام باستان‌شناس، محقق آثار باستانی و یا گردشگر در بامیان می‌آیند تا چه اندازه تخت کنترل ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان و در کل اداره محلی بامیان است؟** در مجموع تمام کسانی که به‌عنوان توریست و هر نام دیگری می‌آیند ما به آنها به‌همان حد اجازه می‌دهیم که در ساحه بروند و از ساحات تاریخی دیدن کنند. مامورین توریست مان هم‌راه شان می‌روند و پولیس در ساحه وجود دارد، در غیر آن ما به توریست اجازه نمی‌دهیم که ساحات را کاوشگری کند. تمام کسانی که برای تحقیقات علمی و کاوشگری‌ها و برای این می‌آیند که ساحات را به نحوی شناسایی کنند یقینا که از طرف یونسکو یا وزارت اطلاعات و فرهنگ هم‌راه ما مکتوب به ما معرفی می‌شود که از کجا آمده؟ مربوط کدام کشور مثلا از دافا و یونسکو می‌آیند که تعداد روز و ساحات که دیدن می‌کنند مشخص می‌شوند، و اینجا هم تحت اداره اطلاعات و فرهنگ انجام می‌شود.

**به‌عنوان سوال آخر کشورهای که در مورد حفظ و حراست آثار باستانی بامیان کار کرده کدام کشورها بوده‌اند؟** در سال‌های گذشته جاپان یک مقدار کار کرده، همین فرانسه یا دافا؛ دیپارتمنت باستان‌شناسی فرانسه در آنجا هم و یک کسی هم بنام زمری طرزی یک افغان فرانسوی است که او در سال‌های گذشته در بامیان کار کرده و جدیدا چین علاقه گرفته که بیاید و در بامیان کار کند و ببینیم که کار این‌ها تا چه سرحد پیش خواهد رفت.





## بامیان؛

## ایوان تهی تاریخ و تمدن باستان!



«محمد عزیزی

بامیان باستان تجلیگاه تاریخ و تمدن بشر برخاک، و محل تلاقی کاروان‌های تجاری- سیاحی شرق و غرب بر این نقطه از خاور خو رنگ و چاک چاک است که معنویت و مهر «بودای» بلند «بیداری» و «آگاهی» در ایوان ایستادهٔ «صلصال» و «شهمامهٔ» آیش و نیایش را آیینند داری می‌کند و فانوسی از هنر و فرهنگ باستانی و بی‌بدیل بشر را از قامت «بابای» سر به ابر، رو به دنیای دیروز و امروز؛ در مشکاتی از «نیروناای» روشن و مهمیم «نیکي‌ها» و «پاکی‌ها»، می‌فروزد و می‌فرازد!

صدای جرس کاروان و شیبهٔ فرس سواران از شرق و غرب در امتداد راه تاریخی ابریشم؛ هنوز در وجب وجب خاک این خطهٔ تاریخی، عجین و پرتنین است و قامت شهمامه و صلصال عشق و عرفان، هرچند در آتش خشم و انفجار عصبيت قرن شکسته و فروریخته؛ اما جای خالی و خاموش شان در ایوان سر به آسمان باستان، عظمت و مهابت تاریخی- استثنایی پیکره‌های بامیان را همچنان به نمایش می‌گذارد و جهان را بر پای اعجاز هنر و فرهنگ و تاریخ و تمدن باستانی- انسانی این سرزمین به اعجاب وامیدارد!

**جلوه‌ها و جاذبه‌ها**

خراسان دیروز و افغانستان امروز، شهرت و موقعیت جهانی‌اش را از جلال و جمال تاریخی- باستانی بامیان و بوداهای بی‌مانند آن، به میراث می‌برد و این امتیاز از گذشته‌های دور تا کنون، از و نیاز کشورگشایان و گردشگران دنیا را برانگیخته و باعث شده که آن یکی، از حرص و حسادت به تسلط یا نابودی آن فکر کند؛ و این دیگری، از ارادت و ادب به سوی آن بشتابد و هر دو، یکسان مسحور ابهت و عظمت آرایه‌های هنری- فرهنگی و مجذوب نمایه‌های تاریخ و تمدن کهن و باستانی آن شود.

موجودیت مجسمه‌های بلند و بی‌مانند صلصال و شهمامه دو آثار هنری- فرهنگی بودا در بامیان، با بیش از سه هزار مغاره و معبد در حول و حوش و حد فاصل دو پیکرهٔ فروریخته در دل صخره‌ها، به اضافهٔ مخروبه‌های باقیماندهٔ شهر ضحاک، شهرغلغل، چهل برج، چهل ستون، درهٔ فولادی، درهٔ آجر، درهٔ اژدر، کوه عروس، کوه بابا، چهارگنبد، شهر بربر، بندامیر و...، در مرکز و مربوطات بامیان که امروزها، بعضاً در سازمان‌علمی- فرهنگی یونسکو نیز ثبت شده‌اند؛ مناظر و مشاهیری از فرهنگ و هنر و تاریخ و تمدن و طبیعت بامیان است که از جلوه‌ها و جاذبه‌های توریستی بی‌نظیر در جهان به شمار می‌روند و دیده و دل هر بیننده‌ای را با عشق و عطش به خود جلب و جذب می‌کنند!

این پیشینه از شهرت هنری- فرهنگی و این دیرینه از آثار و آیدهٔ تاریخی- باستانی در جای جایی از بامیان، باعث شده که مشتاقان و آزمندان بیشماری از نقاط مختلف جهان؛ طی قرون متمادی، به این شهر آمده و از یکسو شیفتهٔ جاذبه‌های گردشگری آن شده و از سوی دیگر به حفاری و کاوشگری پرداخته، در نبود نظارت جدی از سوی حکومت و حاکمیت و سهل‌انگاری در امر حفظ و مراقبت؛ هرچه یافته و توانسته‌اند به غارت برده و بسیاری آثار آن کمتر به نام و نشان بامیان، بلکه بیشتر از آدرس و جا و مکان دیگر به ثبت رسیده و آذین موزیم‌ها در سطح جهان شده است!

**غفلت وزارت فرهنگ**

تا هنوز چندین نمایشگاه از آثار باستانی افغانستان در کشورهای مختلف از جمله فرانسه برگزار گردیده و آثاری از «تپلایته»(دوران ساکیان) جوزجان و «آی خانم»(دوران یونان) تخار و دیگر نقاط تاریخی افغانستان، در آن به نمایش گذاشته شده؛ اما حداقل شخصاً به یاد ندارم و نشنیده‌ام که نمایشگاهی از آثار تاریخی بامیان، در افغانستان و جهان به نمایش گذاشته شده و یا نامی از آثار کشف شده از آن، در این نمایشگاه‌ها به میان آمده باشد!

این درحالی که اولاً افغانستان شهرت باستانی‌اش در جهان را عمدتاً از بامیان مدیون است؛ و ثانياً آثار تاریخی از مجسمه‌ها تا مسکوکات، آرایه‌های طلا، پارچه‌های زیورات و دیگر آثار بجا مانده از دوره‌های دور تاریخ، بیشتر از هرجای دیگر، از بامیان به دست آمده؛ اما اینکه این آثار در موزیم ملی افغانستان به نام بامیان ثبت شده و موجود است؟ یا در نبود نظارت و ارادت حاکمیت به آثار باستانی بامیان، در ویتترین‌های شخصی قاچاقبران آثار تاریخی و گنجینه‌های مافیای ملی و بین‌المللی، به نیغما تکیه زده است؟ هیچ مرجع و منبع داخلی و خارجی به آن پاسخ نمی‌گوید و هم‌چون ساکنین دیروزی و امروزی بامیان، در هاله‌یی از خاموشی و فراموشی به سر می‌برد!

وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور، از جایگاه حافظ و وارث این آثار و آینده‌های ارزشمند و گرانسنگ؛ هیچگاه نخواست‌ه از اهمیت و مراقبت آثار تاریخی بامیان سخن بگوید و روشن کند که از گذشته تا حال، چه تعداد آثار از مجسمه و مسکوکات و جواهرات و زیورات و دیگر آلات منقول و غیرمنقول، از کاوشگری‌های بامیان به دست آمده؟ چه مقدار مورد غارت و دستبرد دزدان داخلی و خارجی قرار گرفته؟ و باقی مانده در کجا نگهداری می‌شود و چه روزگاری دارد؟!

این خاموشی، چنان غبار و زنگاری از فراموشی بر آثار باستانی منقول بامیان نشانده که اصلا در ذهن کسی تبادر نمی‌کند که بامیان، جز همان پیکره‌های عظیم فروریخته در دل کوه و سرمجسمه های کوچک شکسته و پراکندهٔ تهی از شکوه؛ آثار گرانبار و بیشمار دیگری از طلا و زیورات و جواهرات هم داشته باشد!

**اکتشافات افغان- فرانسه**

همزمان با دور نخست ریاست جمهوری حامد کرزی در اوایل دههٔ هشتاد؛ شخصی مشهور به «زمریالی طرزی»، تیم شخصی- اکتشافی (افغان فرانسه) را تشکیل داده و مستند به نوشته‌های «هیوان تسونگ» زایر چینی در هفتصد سال قبل؛ برای یافتن بودای خوابیده‌ای که «۳۰۰ متر طول، ۳۰ متر برجستگی، ۴۰ متر عرض و مزین با تزئینات خاص است»، وارد بامیان شد و چند سال به حفاری مشغول بود. زایر چینی در سفر نامه اش گفته است که « در این شهر (بامیان)؛ در شمال‌شرق شهر سلطنتی متصل به کوه، بودایی به قامت ۱۴۰ الی ۱۵۰ پا (صلصال تخریب شده) میباشد؛ در شرق بودا یک معبد است که توسط شاه اولی ساخته شده و نزدیک به همین معبد، بودای خوابیده‌یی است که هزار پا (۳۰۰متر) طول دارد.»

طرزی در تابستان ۱۳۸۷ به آژانس پژواک گفته بود که « سال قبل(۱۳۸۶)، شهر سلطنتی و معبد شرقی را کشف کردیم و ما را متیقن ساخت که بودای خوابیده نیز در همین موقعیت می باشد؛ اما گفته نمی تواند که در این سالیان دراز، بودای خوابیده به شکل اولی خود باقی مانده، یا زیورات آن در زمانهای یعقوب بن لیس صفاری، تیموریها، غوری ها و غزنوی ها از بین رفته است!» طرزی یادآورشده بود که تیم کاوشگری (افغان- فرانسه)؛ سالانه از ۱۰۰ الی ۱۵۰ قلم آثار باستانی و تاریخی از قبیل سرمجسمه‌های کوچک بودا، انواع تیکرها، سنگ‌های تراش شده و مسکوکات طلا و نقره را از زیر خاک کشف کرده و به ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان تحویل داده است.

حفاری طرزی دریافتن بودای ۳۰۰ متری، علیرغم امیدواری‌های اولیه؛ اما چند سال پیش، بی نتیجه و خاموشانه پایان یافت؛ هرچند که مقامات ریاست اطلاعات و فرهنگ آن وقت بامیان می‌گفتند:

«جریان کاوشگری تیم زمریالی طرزی، تحت نظر امنیت ملی و دو نمایندهٔ ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان صورت می‌گیرد و آثار مکشوفه، توسط این تیم

**پروندهٔ به مناسبت قاچاق و فروش**

## اشیای عتیقه و احجار کریمه دربامیان

● سال دوم ● شماره ۹۱● شنبه ۸ نور ۱۳۹۷ ● ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ ● قیمت:۲۰۰ افغانی



و نمایندگان ولایت بامیان به صندوقچه‌ها مُهر و لاک می‌شود و حتی شهروندان بامیان، از دیدن آن محروم مانده و کسی چیزی را مشاهده نکرده است.» اما بالاخره معلوم نیست که این همه آثار کشف شده توسط تیم «طرزی» در یک دهه با صندوقچه‌های مهر و لاک شده، به موزیم نوساز در بامیان تحویل گردیده؟ یا نزد کدام مرجع و منبع دیگر داخلی یا خارجی نگهداری می‌شود!؟

**غارتگری متجاوزان**

مستند بر این روند از حفاری‌های تیمی و شخصی؛ می‌توان گفت که کاوشگری در بامیان، آسان ترین و بی‌پرسان ترین کار و قاچاق آثار تاریخی آن نیز از سوی مافیای داخلی و خارجی، آشکار و غیرقابل انکار است. هر جریان و جهتی که در بامیان آمده و مسلط بوده؛ نوعی دست به اکتشاف و قاچاق آثار تاریخی آن زده و بهترین داشته‌های باستانی، فرهنگی و هنری آن از سده‌های قبل از میلاد تا قرون متاخر، از گنجینهٔ بامیان به تاراج رفته و در موزیم‌های شخصی و حکومتی همسایگان و دیگر ممالک جهان به حراج گذاشته شده است.

علاوه بر اکتشافات شخصی- مخفی آثار باستانی بامیان و انتقال آن به بازار عتیقهٔ جهان توسط قاچاقبران؛ اما اولین دستبرد آشکار خارجی- تجاوزی به آثار تاریخی بامیان، توسط «یعقوب بن لیث صفاری» (سدهٔ ۲ شمسی= ۸ میلادی) که عنوان «بت شکن» را یدک می‌کشید، صورت گرفته و بر اساس شواهد تاریخی، وی به آیین بودیزم در بامیان خاتمه داد و مجسمه‌های کوچک زیادی از بودا مزین با زیورات طلا را از بامیان، برای جلب رضایت و نشان وفاداری خویش به خلیفهٔ عباسی، هدیه به بغداد فرستاد!

آخرین دستبرد تجاوزی- تروریستی خارجی به آثار باستانی بامیان، توسط طالبان به نیابت از پاکستان صورت گرفت و این گروه دست نشانده و وحشی؛ با تسلط بر بامیان در ۱۱ مارچ ۲۰۰۱ میلادی (۲۱ حوت ۱۳۸۰ شمسی) پیکره‌های بی‌نظیر و تاریخی بامیان را در پی دوشبانه روز آتشباری متواتر با توپ و تانک و صد‌ها کیلوگرام مواد منفجرهٔ آورده شده از پاکستان، منهدم کردند و پاره‌های پیکر فروریختهٔ صلصال و شهمامه دو شاهکار هنری- فرهنگی بشر دوهزار سال قبل را، با کامیون‌های پاکستانی به پشاور انتقال دادند.

**ضربه فرهنگی پاکستان**

نصیرالله بابر پدرخواندهٔ طالبان؛ در طول سالیان نامنی و هرج و مرج در افغانستان؛ از یکسو موزیم شخصی اش را از آثار باستانی بامیان و دیگر نقاط تاریخی آن پرکرد و از سوی دیگر، در سایهٔ جهل و جمود طالبان، توانست با انهدام مجسمه‌های استثنایی بامیان، کاری‌ترین ضربه را به میراثهای فرهنگی- تاریخی به افغانستان وارد کند. تخریب مجسمه‌های بامیان برای پاکستان، به قدری شیرین و شادی آفرین بود که از آن، در رسانه‌های آن روز خود به خصوص نشریهٔ افراطی- مذهبی «ضرب مؤمن»، بعنوان بت شکنی بزرگ تاریخ یاد کرد و«املا عمر» را بت شکن قرن لقب داد! این نشریه در نیمهٔ بالای تقویم بزرگی که در استقبال از این حماسه آفرینی نشر کرده بود؛ عکس‌های بیشماری از لحظه لحظه روند آتشباری و تخریب و انهدام بوداهای بامیان چاپ نموده و ثبت تصویر گلوله‌ها در مسیر اصابت به مجسمه، نشاندهندهٔ آن بود که آی اس آی، از تمام امکانات فنی- تخنیکی مدرن، کار گرفته و جریان انهدام مجسمه‌ها و فروریختن آن را، با پیشرفته ترین کمره‌ها، عکاسی و فیلم‌برداری کرده است؛ درست همانگونه که تصویرهای اسارت شهید وحدت ملی کشور «بابه‌علی مزاری»، در ۲۲ حوت ۱۳۷۳ زودتر از همه، با شادی و نشاط در نشریات عربستان و دیگر شیخ نشین‌های خلیج، انعکاس یافت و به‌عنوان دستاورد بزرگ طالبان به تبریک و تجلیل گرفته شد!

**مسئولیت اکنونی حکومت**

به هرحال؛ چیزی که در این میان مایهٔ تاسف است؛ بی‌تفاوتی حکومت افغانستان از گذشته‌های دور تا امروز نسبت به حفظ و مراقبت و مرمت آثار و آبدات بامیان و تهی شدن آن، از جلوه‌ها و جاذبه‌های تاریخ و تمدن باستان است. بامیان اگر از ابتدا تا امروز، لطف دولت افغانستان را شامل حال می‌داشت و منحبث آیینهٔ هنر و فرهنگ باستان و ایوان شاهکارهای بی‌نظیر و شکوهمند جهان، مورد رسیدگی و بازسازی قرار می‌گرفت و آثار به دست آمده از آن، در موزیمی در شهر بامیان حفظ و نگهداری می‌شد؛ صرفاً عایدات گردشگری آن، سالانه برابر با بنادر تجاری کشور بود و مردم بدبخت و بدقسمت آن، بر گنجینهٔ آنچنان ذخار و فوار و پر اعتبار، امروز گرسنه و پا برهنه راه نمی‌رفتند و بامیان نیز در جدول فقیرترین ولایات کشور جای نمی‌گرفت!

با این همه؛ حال مسئولیت اولی حکومت افغانستان است که در کنار حفظ آثار باستانی در کل کشور؛ به احیای آبده‌های باستانی و حفظ میراث‌های فرهنگی بامیان توجه کند و از هماهنگی موجود جامعهٔ جهانی، در تشخیص و تمحیص آثار به دست آمده از بامیان اما قاچاق رفته در جهان، مددخواهد! بدیهی است که حفظ این آثار در داخل کشور، فعلاً میسر و مصلحت نیست و باید در یکی از کشورهای خارج همچنان حفظ و نگهداری شود و در ضمن از کاوشگری آثار باستانی در بامیان و دیگر نقاط افغانستان نیز جداً جلوگیری به عمل آید؛ چه اینکه کشف آثار نهان در خاک، در نبود تسلط حکومت بر کشور و وجود باندهای مافیایی داخلی و خارجی، به منزلهٔ نابودی و بربادی آثار است و همان بهتر که همچنان در دل خاک، مدفون باشند تا از دستبرد قاچاقبران و غارتگران محفوظ و مصئون بمانند!



**وزارت اطلاعات و فرهنگٔ کشور، از جایگاه حافظ و وارث این آثار و آبده‌های ارزشمند و گرانسنگ؛**

**هیجگاه نخواست‌ه از اهمیت و مراقبت آثار تاریخی بامیان سخن بگوید و روشن کند که از گذشته تا**

**حال ، چه تعداد آثار از مجسمه و مسکوکات و جواهرات و زیورات و دیگر آلات منقول و غیرمنقول ،**

**از کاوشگری‌های بامیان به دست آمده؟ چه مقدار مورد غارت و دستبرد دزدان داخلی و خارجی**

**قرار گرفته؟ و باقی مانده در کجا نگهداری می‌شود و چه روزگاری دارد!؟**







# تجارت‌اشیای

**پروندهٔ به مناسبت قاچاق و فروش**

## تجارت‌اشیای عتیقه و احجار کریمه در بامیان

● سال دوم ● شماره ۹۱ ● شنبه ● ۸ نور ۱۳۹۷ ● ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ ● قیمت:۲۰ افغانی



وضعیت سرک بسیار خراب بود؛ وقتی ما از کابل به بامیان می‌رسیدیم مخصوصن از شش پل تا بامیان در اثر بارش و سیل گودال‌های بزرگ ساخته شده بود و باید که چندین موتر جفل انداخته می‌شد تا پر شود و موتر بگذرد. بالاخره من متاثر شدم که چگونه می‌شود این گودال‌ها پرشود و مردم در قسمت رفت و آمد با مشکلات مواجه نگردد. دریکی از جلسات اداری با روسا و شورهای انکشافی فیصله کردیم که تا «شش پل» باید کار کنیم. من خودم نیز سهم گرفتیم تا «شش پل» کار کردیم از کوه جغل می‌آوردیم در آن زمان هیات «کنفرانس اسلامی» آمده بود و تعجب کردند. وضعیت اقتصادی مردم نیز سنتی بود و به دلایل نبود سرک تمام کچالوی مردم بامیان خراب می‌شد و به فروش نمی‌رسد زیرا سرک نداشتند. به صورت کلی در بخش‌های مختلف طبق پلان حرکت کردیم. البته والی گذشته یک جلسه با یونما داشت و اولویت‌های بامیان را مشخص کرده بودند؛ ما روی همان برنامه کار کردیم ، توسعه دادیم و یک پلان ساختیم در آن پلان سرک را در اولویت قرار دادیم تا سرک بامیان یکه ولنگ و سرک بامیان کابل کار شد و سرک‌های دیگر در ولسوالی‌ها جفل اندازی شد. از دیدگاه زراعت باغداری و ذهیره گاه‌های کچالو را رشد دادیم.

**نزدیک به نه سال بامیان بودید روز که بامیان رفتین تا روز که از بامیان خدا حافظی کردین بامیان را چگونه دیدید؟** روز که بامیان رفتم از طرف مردم استقبال شدم و خیلی خوشحال شدم، و اما برای اولین بار در زمان که وزیر امور زنان بودم به بامیان رفتم و از طرف یک موسسه که در بخش تعلیم و تربیه کار می‌کرد دعوت شده بودم. می‌خواهم یک خاطره بگویم؛ در میدان هوایی یکه‌ولنگ در قسمت زاربن پیاده شدم آنچه که مرا به خود جلب کرد «طفلی» را دیدم که دست‌هایش خیلی درشت و ترکیده بود و سر و رویش خاک‌آلود بود و این خیلی روی من تاثیر کرد و من قبول کردم که برای بامیان کار کنم. روز که بامیان رفتم از لحاظ زیر بنایی خیلی مشکلات داشت، اما روز که خدا حافظی کردم نزدیک به صد کیلومتر سرک قیرریزی در بامیان داشتیم، هتل‌های زیاد ساخته شده، شهر جدید تاسیس گردید، دفاتر جابه‌جا شد، مقام ولایت بامیان و اکنون شفاخانه خوب در بامیان داریم که پایه سنگ آن در زمان من گذاشته شد.

**بامیان یک شهر تاریخی-باستانی و فرهنگی است که جز میراث‌های فرهنگی جهان به حساب می‌آید. اما در از گذشته تاکنون آثارخی و اشیای عتیقهٔ باماین مورد قاچاق صورت گرفته و تمام ابدات تاریخی بامیان غارت شده‌اند. در قسمت نگهداری و حفاظت از آثار باستانی شما قنقدر کار کرده اید؟** من وجدانا یکی از کارهای مفیدی که در بامیان کردم حفاظت از آثار باستانی بود، و اما بعضی اوقات متهمم هم شدم. در یکی از کنفرانس‌های حساب دهی زمان که من در مورد ارزش آثار باستانی بامیان صحبت می‌کردم یک پوزه برایم آمد نوشته بود که خانم والی طوری حرف میزنی که گه گویی اولاد شما باشد من گفتم: میراث‌های فرهنگی باید مثل اولاد آدم نگهداشته شود. اما مشکل اینجا بود که سطح آگاهی مردم بسیار پایین بود؛ متأسفانه مردم ارزش میراث‌های فرهنگی را بجز نسل جوان و تحصیل کرده دیگران درک نمی‌کرد و نمی‌کنند و از طرف دیگر مساله فقر بود. مردم کوشش می‌کردند که از فقر نجات یابند، اما آثار باستانی برای شان ارزش نداشت. به‌هر صورت این عوامل باعث می‌شد که به‌طور لازم از میراث‌های فرهنگی حفاظت نشده و گاهی اوقات نیروهای امنیتی هم در مورد قاچاق آثار باستانی سهل‌انگاری می‌کردند.

**برخی از مسوولین فعلی اداره محلی بامیان ادعا دارند که در حکومت فعلی شماری از مردم در این باور هستند که در چند سال اخیر بیشترین توجه در مورد حفظ و سایت‌های باستانی بامیان صورت گرفته از جمله ماستر «پلان فرهنگی» ولایت بامیان آماده شده که در گذشته چنین کارهای صورت نگرفته است؟** ما به نظر شان احترام می‌گذاریم اما یک چیز را نباید فراموش کنیم که ماستر پلان

فرهنگی در سال ۲۰۰۳ ساخته شده نه در این اواخر و ساختا سرخ، سبز، نارنجی و خاکستری هم دارد. بر اساس همین ماستر پلان بود که شهر جدید در عیسی خان ساخته شد. ما تمجدید می‌کنیم که هر قدر از میراث‌های فرهنگی حفاظت شود خوشحال می‌شویم و اما ای‌کاش! سرک پیشروی شهر «غلغله» ساخته نمی‌شد؛ چون یکی عده آثار باستانی را تخریب کرده یا در حال تخریب است. پلان این بود که باید در نزدیکی آثار باستانی سرک کار نشود.

**شما در مورد سرک تپه الماس اشاره کردید؛ در این جا دو ساحه «سرخ و سبز» ماستر پلان فرهنگی از بین رفته است. به نظر شما اگر چنین ساخت‌وسازهای بی رویه ادامه بامیان از جمع میراث‌های فرهنگی جهان حذف خواهد شد؟** اگر چنین پروژه‌ها ادامه پیدا کند یقینا حذف خواهد شد. یک چیز را می‌خواهم خدمت شما عرض کنم؛ زمان که من والی مقرر شدم با وزیر انکشاف شهری ملاقات کردم و پلان خواستم در آنجا من یک شخص را دیدم که اجازه اعمار یک هتل را در تپه الماس می‌گرفت ولی من آن را توقف دادم و نگذاشتم که کار شود. به‌خاطر که آقای طرزی گفته بود که اینجا نباید چیزی کار شود. زیرا این‌ها نمونه‌های دوران غوری‌ها و غزنوی‌ها است.

**بیشتر گفتید در قسمت حفاظت آثار باستانی بامیان مشکلاتی وجود داشته کدام نهادهای خارجی بیشتر در این مورد کار کرده است؟** «یونسکو» در بامیان کار فوق‌العاده انجام داده اند و در زیر چتر «یونسکو» دانشگاه «آخن جرمنی» کار بسزایی انجام داده و ماستر پلان فرهنگی بامیان به کمک آن‌ها ساخته شده است. جاپانی‌ها کارهای بسیار خوبی در قسمت شناسایی قطعات فرو ریختهٔ بودای بامیان تلاش‌های زیادی به خرج داده است. هم‌چنان برای کاوش بودای بامیان خود طرزی و همکارانش از طرف کشور فرانسه کارکرده و آثار که آقای طرزی کشف کرد دوباره پوشانده شده برای اینکه تخریب نشود و این کاری بزرگی کرده برای بامیان است که بنام موزیم‌های سرباز اهمیت اساسی دارد که همه این‌ها همه تحت چتر «یونسکو» صورت گرفته است.

**حفاری‌های طرزی در بامیان تا چه اندازه شفاف بود. انتظار می‌رفت که آقای طرزی نتایج کار خود را به دو زبان ملی از طرق رسانه‌ها نشر می‌کرد که نکرده است. پر رمز و راز برگشت و گم شد. کار آقای طرزی برای شما تا چه قابل قبول بود؟** در هر حفاری ما را دعوت می‌کرد البته در شروع کار خود ما را هماهنگ می‌کرد. مکتوب که از وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌آورد با ما شریک می‌ساخت. در ختم کار هیئت تعیین می‌کردم و می‌رفتند می‌دیدند. البته وقتی مکتوب از وزارت می‌آورد ما از ریاست اطلاعات و فرهنگ و امنیت ملی و جاهای دیگر هیئت تعیین می‌کردیم که باید تحت اداره محلی بامیان باید باشد. یقینا که نتایج کار خود را به‌صورت کتبی آنها مکلیفت به وزارت اطلاعات و فرهنگ داشتند که باید گزارش می‌دادند. شاید این کار را نکرده باشد یا تملل از وزارت اطلاعات و فرهنگ بوده که آقای طرزی نگرفته است، اما کارش در ساحه شفاف بود، امنیت ملی، پلیس و ریاست اطلاعات و فرهنگ حضور داشتند.

**تنها در سال ۱۳۹۶ ما شاهد سه مورد دستگیری قاچاقچیان آثار باستانی در بامیان بودیم. در زمان که شما والی بامیان چنین موارد وجود داشت؟** بله موارد خرد و ریزی وجود داشت که قاچاقچیان دستگیر شدند، اما به حد ماهرانه کار می‌کنند که اگر ادارت خیلی هماهنگ نباشند مشکل است که جلوگیری صورت گیرد. در اثر بعضی از هماهنگی که بین خود قاچاق‌بران صورت می‌گیرد و یا علاقمندی اقتصادی شان به هم می‌خورد به صورت عموم افشا می‌شوند در غیر آن افشا نمی‌شوند.

**کی‌ها در قاچاق آثار باستای بامیان دست داشتند؟** متأسفانه امنیت ملی قاچاق برآن آثار باستانی را زیاد افشا نمی‌کرد، اما آنچه را که خود ما تحقیق و بررسی داشتیم؛ افغان‌های خود و بامیانی‌های خود در قاچاق آثار باستانی دست داشتند. ضرب‌المثل است که « درخت گفته بود اگر دسته از خودم نبودی کسی مرا قطع نمی‌توانست».

**وقتی بامیان برویم با یک تکت از صبح تا غروب تمام ساحات باستانی را دیده می‌کنیم. هیچ نظارت و کنترل دقیق وجود ندارد. در زمان شما دیدن از ساحات باستانی چه گونه بود؟** متأسفانه همین گونه بود. باید اعتراف کنیم که عدم هماهنگی بین بین نهادهای اداره محلی بامیان از جمله ریاست اطلاعات و فرهنگ، امنیت ملی و پلیس هماهنگی کافی نداشتند، و این مساله بیشتر سیاسی بود.



**من زمان که در ولایت بامیان رفتم یک ورق را به‌عنوان یک سند دولتی تسلیم نشدم؛ وضع حکومت داری طوری بود کسی که در بخش اسناد و ارتباط مخصوصا بخش عرایض کار می‌کرد اسناد را ثبت نمی‌کرد زیرا فکر می‌کردند این مسولیت دارد و پیش ما میماند.**

**حبیبه سرابی والی پیشین بامیان؛ امنیت ملی نام قاچاق بران آثار باستانی را افشا نمی‌کرد.**

**(گفت‌وگوی هفته نامه «جاده ابریشم»**

**با حبیبه سرابی، معاون شورای عالی صلح و والی اسبق ولایت بامیان)**

**چند سال والی بامیان بودید؟** تشکر از شما تشریف آوری شما! خوش حال هستم که چنین نشریهٔ دارید. در مورد بامیان ویژه نامه

بیرون می‌دهید و نیاز است که بامیان بیش‌تر معرفی شود. من مدت هشت و نیم سال به عنوان والی ایفای وظیفه کرده‌ام یعنی از حمل ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳.

**بامیان در آن زمان به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در چه وضعی قرار داشت؟** از حکومت داری در بامیان اگر شروع کنم چون حکومت داری سبب می‌شود تا انکشاف اقتصادی و فرهنگی بوجود بیاید. من زمان که در ولایت بامیان رفتم یک ورق را به‌عنوان یک

سند دولتی تسلیم نشدم؛ وضع حکومت داری طوری بود کسی که در بخش اسناد و ارتباط مخصوصا بخش عرایض کار می‌کرد اسناد را ثبت نمی‌کرد زیرا فکر می‌کردند این مسولیت دارد و پیش ما میماند.

این وضعیت اداری ولایت بامیان بود. از طرف دیگر خود تعمیر دولتی قسم بود که چند اتاق کهنه و نیمه خرابه بود. یک چیز را به‌خاطر دارم؛ وقت خارجی‌ها برای ملاقات می‌آمدند، قد بلند بود و از پایین بودن و دروازه پیشانی‌اش به دروازه خورد و آسیب جدی در پیشانی خود دید. وضعیت ادرات قسمی بود که در دکان‌های کرایبی بود و باش داشتند یک دو اداره مثل ریاست امور زنان که آن در زمان وزارت خودم ساخته شده بود، ریاست انکشاف دهات و همین‌طور یکی دو اداره تعمیر داشت بقیه تعمیر نداشت.



# زیباترین اشیاى عتیقه و احجار کریمه در بامیان

● سال دوم ● شماره ۹۱ ● شنبه ۸ ثور ۱۳۹۷ ● ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ ● قیمت: ۲۰ افغانی



کل حزب وحدت) به فکر ترمیم پیکر شکسته و زخم خوردهٔ بودا نبودند که هیچ، بلکه آثار عتیقهٔ بامیان را غارت و تجارت کردند. سایت‌های باستانی بامیان را حفاری و کاوش‌های غیر قانونی انجام دادند. سینهٔ پر از درد و اندوه بامیان را دریدند، گورها را شکافتند. اجساد مومیایی بدست آمده از گورها را قاچاق و تجارت کردند.

**پنجم- غارت بامیان در عهد جدید:** بعد از شکل‌گیری نظام مبتنی بر ارزش‌های دموکراسی و برپایی ادارهٔ محلی در بامیان نیز زخم‌های آن التیام نه بخشید بلکه مغاره‌ها ویران‌تر، گورها شکافته‌تر و اشیای عتیقه بیشتر غارت شدند؛ از کندن کاری و بردن آثار باستانی قریه‌های واقع در مرکز بامیان تا قاچاق جسد مومیایی شده از درهٔ بند امیر، انتقال چندین مومیایی از ساحات درهٔ چاشت در نزدیکی قریهٔ چهل برج در سال ۱۳۸۹، قاچاق و کندن کاری قریهٔ چهل برج یکاولنگ(قلعه تاریخی که ثبت یونسکو نیز شده است)، حفاری یک قبر مشهور در قریهٔ صمدی یکاولنگ که مردم به‌عنوان «زیارت» می‌شناختند در سال ۱۳۹۶، کندن کاری و قاچاق محتویات «زیارت ارغوشه» در سال جاری ۱۳۹۶ در نقطهٔ دور افتادهٔ ولسوالی یکاولنگ، قاچاق یک کتیبهٔ باستانی که در میدان وردک گیر آمد، و سرانجام کندن کاری تپه الماس در نزدیک شهر غلغله که به بهانهٔ کشیدن سرک کندن کاری شده است.

موسسات و باستان شناسان خارجی که تحت هر نام در بامیان فعالیت می‌کردند در کنار آن به دنبال قاچاق آثار تاریخی بامیان نیز بودند. یکی از آنها پرفیسور طرزی بود که از آدرس کشور فرانسه در بامیان دست به حفاری‌های در ظاهر قانونی زد. اما نتایج کارش را نه به ادارهٔ محلی بامیان گزارش داد و نه از طریق رسانه‌ها به دو زبان ملی نشر کرد. خاموش، پر رمز و راز و با پرسش‌های زیاد به فرانسه برگشت که تا اکنون هیچ خبر و اثر از پروفیسور طرزی و کارهایش در بامیان نیست.

طبق ادعای یک مقام اسبق محلی ولایت بامیان؛ نیروهای کشفی، امنیتی و رهبری آن ولایت در دوره‌های مختلف نیز در برابر حفظ آثار باستانی بامیان مسوول و پاسخ گو هستند. به دلایل نا هماهنگی بین ادارت محلی بامیان خصوصاً امنیت ملی و قومندان امنیه آثار تاریخی بامیان قاچاق و غارت گردیده که بدون هیچ تردیدی مقامات نظامی و ملکی بامیان در دوران ماموریت شان به قاچاق آثار باستانی بامیان دست داشتند. کسانی که در رده‌های بلند حکومت محلی بامیان کار کرده‌اند کاخ‌های بلند و شهرک ساختند که باید دارایی‌های شان ضبط و بررسی گردد. جوانان، فرهنگیان و مردم ولایت بامیان باید از آنها بپرسند که کاخ‌های سر به فلک کشیدهٔ را در کابل و بامیان از کدام پول ساختند؟ مکلف هستند که به مردم و خصوصاً جامعهٔ فرهنگی و تاریخی بامیان پاسخ بدهند تا دیگران بدانند که ما در قبال بامیان مسوولیت غیر از قاچاق و تاراج هم داریم.

از کوتل صد برگ ولسوالی یکه ولنگ ولایت بامیان که بگذریم ولسوالی لعل و سرجنگل به چشم می‌خورد. این ولسوالی پارهٔ از تمدن غرجستان و بامیان تاریخی است. در زمان که سید نادر شاه بحر؛ فرد وابسته به جریان سیاسی-انشعابی محمد اکبری ولسوال لعل و سرجنگل بود و خدایار قدسی؛ فرد وابسته به حزب وحدت آقای خلیلی به‌عنوان قومندان امنیهٔ آن ولسوالی ایفای وظیفه می‌کردند؛ تنها ده گور (مزار) توسط قاچاق‌بران محلی در همین ولسوالی شکافته و قاچاق شدند. مشهورترین قبرهای که شکافته شده‌اند؛ مزار سفید، مزار سیاه، شیخ امیر، کوه ارگ، سرپخک، گرگک و... که طبق گفته‌های مردم محل چندین جسد مومیایی شده را در نتیجهٔ حفاری شان به‌غارت بردند. سوال که مطرح می‌شود این است که لعل و سرجنگل با داشتن اداره محلی و نیروهای کشفی و استخباراتی چه کسی توان این را داشتند که ده گور را حفاری کرده و اجساد مومیایی شده را بیرون کنند؟ مسوولین آن زمان در قید حات هستند و باید برای مردم پاسخ بدهند. اما یک مساله برای همه واضح و هویداست که بدون حمایت و پشتوانهٔ سیاسی و حزبی قوی شکافتن گورها و انتقال آن به جاهای دیگر ممکن نیست و این ناممکن را قدرت‌های مافیایی و سیاسی ممکن کردند. گورها و مزارهای که از یک سو حیات تاریخی مردم بود و از سوی دیگر محل خالی کردن درد و زخم‌های کسانی بود که از شر زمانه در آنجا پناه می‌بردند.

**سخن آخر:** روشن است که جهاد خونین و مجاهدین ویران‌گر است؛ نظم و ثبات را بر هم می‌زنند. در سایه نا امنی و آتارشی هرکاری نا ممکنی ممکن می‌شود: قتل، کشتار، چور، چپاول، قاچاق و غارت آثار تاریخی و اعتبار عمومی مردم به یک امر عادی ارتقا می‌یابد و مبدل به فرهنگ روزمره می‌شود. زیرا ساخت‌های اجتماعی دچار تغییر می‌گردد؛ علم، دانش و هنر زیر خرابه‌های جنگ و ترور دفن می‌شوند. دگران‌دیشان و هواداران نظام مردم سالاری در زندان‌ها می‌پوسند و جان می‌دهند. به سخن دیگر، جهاد به‌عنوان یک صنعت ویرانگر تمام لایه‌های زندگی اجتماعی، تاریخی و فرهنگی را تخریب، غارت و ویران می‌کند.

هفته نامه «جاده ابریشم» بانشر این ویژه نامه تلاش دارد تا در ویژه نامهٔ بعدی به صورت مستند و گزارش تحقیقی کار کند تا مشخص شود که چگونه آثار عتیقه بامیان غارت و قاچاق شده‌اند؟ کی‌ها و کدام گروه‌های سیاسی و مافیایی دست داشتند؟ تا غارت و تجارت تاریخ بامیان عبرتی باشد برای نسل‌های بعدی که حد قل درد و آگاهی تاریخی دارند.



**از کوتل صد برگ ولسوالی یکه ولنگ ولایت بامیان که بگذریم ولسوالی لعل و سرجنگل به چشم می‌خورد. این ولسوالی پارهٔ از تمدن غرجستان و بامیان تاریخی است. در زمان که سید نادر شاه بحر؛ فرد وابسته به جریان سیاسی - انشعابی محمد اکبری ولسوال لعل و سرجنگل بود و خدایار قدسی؛ فرد وابسته به حزب وحدت آقای خلیلی به‌عنوان قومندان امنیه آن ولسوالی ایفای وظیفه می‌کردند؛ تنها ده گور (مزار) توسط قاچاق‌بران محلی در همین ولسوالی شکافته و قاچاق شدند. مشهورترین قبرهای که شکافته شده‌اند؛ مزار سفید، مزار سیاه، شیخ امیر، کوه ارگ، سرپخک، گرگک و... که طبق گفته‌های مردم محل چندین جسد مومیایی شده را در نتیجه حفاری شان به‌غارت بردند.**

## شکافتن گورهای یک تمدن



محمد احمدی

یکم: وقتی دانش‌آموز صنف هفتم و هشتم مکتب بودم معلم تاریخ در ساعت اول برای مان گفت: «تاریخ علم‌یست که احوال گذشتگان را برای ما حکایت می‌کند تا از کارهای نیک آن‌ها پند بگیریم و از کارهای بد شان عبرت.» تعریف معلم مکتب به ما این را می‌رساند که تاریخ حکایت طولانی انسان‌ها و داستان‌های گذار بشریت از مرزهای بدویت و بربریت تا خلق و برپا کردن تمدن و توسعهٔ ارزش‌های تاریخی گذشتگان است.

**دوم- پیشینهٔ غارتگری در قلمرو اسلامی:** مرو قدیم یکی از چهار شهر بزرگ تاریخی-باستانی خراسان بزرگ بود که با شهرهای نیشابور، بلخ و هرات قدامت تاریخی داشت. کاروان «جاده ابریشم» از این شهر می‌گذشت که توقف‌گاه آن شهر بامیان بود. از مرو؛ بنام «مروارید» شرق آسیا در دوران تاریخ یاد کرده است. روز گار در آن ابن‌سینا طبابت می‌کرد و خیام علم نجوم را از همین شهر آغاز کرد تا رسید به پیاله و شراب و شور شیرین شعر. سر انجام شهر مرو با تمام زیبایی‌ها و سایت‌های باستانی آن توسط مسلمان‌ها ویران و آبدات تاریخی و آثار باستانی آن غارت گردید که خصوصاً عباسی‌ها، علوی‌ها و اموی‌ها در تخریب و غارت مرو؛ مروارید قلب آسیا نقش برانده داشتند.

**سوم- مجاهدین افغانستان و سیاست غارتگری:** وقتی نگاه به تاریخ معاصر افغانستان بیندازیم جهاد و مجاهدین زمان در کوه پایه‌های این جغرافیای نکبت و ستم ظهور می‌کند که ما دارای تمدن‌های بزرگ مثل بامیان، بلخ بامی، غزنه، غورات و هرات و سایر شهرهای کشور بودیم. دیگران تمدن‌های بی‌نظیری را در این خطهٔ خون و خطر خلق کردند که هر کدام آن‌ها انبوه از آثار عتیقه و بت‌های مزین و معجز با طلا و جواهرات را باخود داشتند. مجاهدین به‌جای حفظ و توسعهٔ این تمدن‌ها گلوهٔ خیانت و تفنگ جنایت را از نیام کشیده با دهن و دندان به سایت‌های باستانی چسبیدند. تمام تمدن‌ها را ویران کردند و آثارهای باستانی را به یغما بردند. در برخی از نشریه‌های داخلی و بیرونی آن زمان نوشته شده بودند که در سال‌های ۱۳۷۱ تمام اشیاء و آبدات تاریخی موزیم ملی و سایر موزیم‌های کابل و سایت‌های باستانی و تاریخی توسط مجاهدین و خصوصاً در عهد آقای ربانی به غارت برده شد که در بازارهای پاکستان به فروش می‌رسیدند. به گفتهٔ مسوولین موزیم ۷۰ در صد موزیم ملی در دوران جهاد تخریب و ۲۵۰۰ قلم آثار توسط مجاهدین به غارت برده شد. به تعداد هفت هزارجلد کتاب‌های قلمی و قدیم از موزیم و آرشیف ملی افغانستان توسط «شورای نظار» به پنجشیر انتقال داده شد که تا امروز سرنوشت آن آثار گران بهای کشور معلوم نیست.

**چهارم- ویرانه‌های غرجستان و غارت بامیان:** جهاد در افغانستان به مثابه صنعت ویرانگر و مجاهدین به‌عنوان مجریان آن تا توانستند شهر و بناهای تاریخی و باستانی را ویران کردند و تمام آثار و اشیای عتیقه را قاچاق و غارت کردند. زیرا سرشت جهاد، ویرانگری، خرد ستیزی و ضد تمدنی است. یکی از تمدن‌های که امروز باید بالای ویرانه‌ها و درون مغاره‌های خونین آن خون گریست؛ تمدن غرجستان و بامیان است که از دوران حمله لشکر چنگیز و مغول الی اکنون چنان غارت و ویران شده‌اند که چیزی جز مغاره‌ها تنگ و تاریک و شهرهای ویران و بوداهای شکسته باقی نمانده است.

بامیان با داشتن مجسمه‌های بودا، شهر غلغله، شهرضحاک، چهل برج، درهٔ ایژدر، دره ککرک، دره فولادی، منطقهٔ فیروزبهار، استوپهٔ کلیگان و قلعه‌های چهل برج، گوهرگین، کافری، چهل دختران، چهل ستون، شهر شاهی و دیگر سایت‌ها باستانی قدامت تاریخی چندین هزار ساله دارد. چهار مقاله اثر از عروضی ثمر قندی که یکی از شاه‌کارهای زبان و ادبیات فارسی است در بامیان نوشته شده است. بدبختانه اکنون از این تمدن کهن چیزی جز ویرانه‌ها و مغاره‌ها تپهٔ از آثار باستانی باقی نمانده‌اند. بعد از تخریب تندیس‌های بودا توسط طالبان تنظیم‌های جهادی درون هزارگی (پاسداران، سازمان نصر و در









### سخنگوی والی بامیان:

## در ساحات سرخ و سبز شهر بامیان حتا گذاشتن یک خشت ممنوع است!

(گفتوگویی اختصاصی هفته‌نامه جلاهد ابریشم با عبدالرحمن احمدی، سخنگوی والی بامیان)



**آقای احمدی تشکر از اینکه حاضر به گفت‌وگو شدید. در نخست بگوئید که آثار باستانی و میراث‌های فرهنگی بامیان چقدر مورد توجه اداره محلی و در مجموع مردم بامیان است؟ از ساحات تاریخی چقدر حفاظت می‌شود؟** ساحات تاریخی و آثار باستانی یکی از فرصت‌های بسیار بزرگ برای بامیان وحتى مردم افغانستان است. خیلی طبیعی و واضح است که آثار موجود در بامیان نه‌تنها که از لحاظ ملکیت تعلق به مردم بامیان و افغانستان دارد؛ این آثار متعلق است به جامعه بشری و مخصوصا جامعه فرهنگی، تاریخی و تمدنی بشریت.

روی این لحاظ باتوجه به اهمیت خاصی که آثار تاریخی برای جهان و خانواده فرهنگی جهان دارد، اداره‌ی محلی مطابق به سیاست‌ها و پالیسی‌هایی کلی نظام سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان از هیچ‌گونه تلاش و کوشش در راستای حفاظت و حراست از آثار تاریخی دریغ نکرده و نمی‌کند. شما در جریان هستید که در سال ۲۰۰۳ بخش اعظم از مرکز ولایت بامیان در لیست میراث‌های فرهنگی جهان شامل شدند و هفت یا هشت اثر تاریخی به‌عنوان آثاری در معرض خطر توسط سازمان علمی-فرهنگی ملل متحد یا یونسکو ثبت شده‌اند و هم‌چنان به‌منظور حفاظت و حراست دقیق، تعریف شده و با یک میکانیزم مشخص از آثار تاریخی بامیان، زیرا بامیان تنها شهری است که دارای ماستریلان فرهنگی بوده و این ماستریلان فرهنگی تمام نقاطی که باید به‌عنوان ارزش‌های تاریخی و فرهنگی حفظ شود؛ مشخص کرده، نقطه گذاری کرده، روی این لحاظ اداره محلی بامیان در قدم اول خود را مکلف و موظف می‌داند هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ حقوق بشری که حفاظت از آثار تاریخی و حمایت از آثار تاریخی از حقوق اولیه فرهنگی بشر است. ما هم خود را مکلف و موظف به این می‌دانیم که از ماستریلان فرهنگی بامیان حمایت کنیم و در راستای تطبیق جزئیات تمام ماستریلان فرهنگی باید کوشش کنیم. متأسفانه بر اثر بعضی کم‌توجهی‌های که در سال‌های گذشته صورت گرفته بود اما در سه چهار سال اخیر اداره محلی بامیان موفق شدند که در راستای تطبیق جزئیات ماستریلان فرهنگی اقدامات خوبی را انجام بدهد. قبلا شما دور و بر بازار را می‌دیدید که به صدها جریب زمین مورد استفاده بی‌رویه تعدادی از شهروندان قرار می‌گرفت و به‌عنوان اماکن کاری و تجاری مورد استفاده قرار گرفتند که تبدیل به ذغال فروشی‌ها و چوپ فروشی‌ها و در کل اشغال دانی شده بود. اداره محلی بامیان به‌منظور احیای مجدد فضای سبز بامیان که یکی از عناصر اصلی وادی فرهنگی بامیان را تشکیل می‌دهد، تمام اماکن کاری را به دور از شهر انتقال داده‌اند، که کاملا از مرکزیت شهر دور قرار دارد و هم‌چنین در راستای حفاظت از ساحات سرخ که در آن آثار تاریخی و آبدات تاریخی وجود دارند در این قسمت از ساخت و سازهای بی‌رویه و خانه‌های خود سر

در قسمت تطبیق ماستریلان فرهنگی بامیان باتوجه به جزئیات و وسعتی که دارد و بعضی اوقات مشکلات جدی هم در این قسمت وجود داشته است. باید اعتراف کنیم در برخی موارد برخی ملاحظات سیاسی که در گذشته وجود داشته و یا اهمیت ماستریلان فرهنگی و جایگاه تاریخی و تمدنی بامیان را اگر در بعضی موارد خیلی مفهوم برای دوستان نبوده شاید یک مقدار کوتاهی شده باشد، اما در تمام قسمت‌هایی از ساحات سرخ که باید از ساخت و ساز خانه‌های خودسر جلوگیری می‌شدند در سال‌های گذشته کوتاهی صورت گرفته است؛ ساخت و سازهای خودسر صورت گرفته است. وقتی ما از ماستریلان فرهنگی بامیان صحبت می‌کنیم؛ ماستریلان فرهنگی بامیان چهار جزء عمده و اساسی دارد. به این معنا که وادی بامیان به چهار زون تقسیم شده که یک زون آن ساحات تاریخی و باستانی استند که به رنگ «سرخ» نشانی شده که در حقیقت ساحات سرخ یاد می‌شود، برخی موارد آن ساحات «سبز» است که با رنگ سبز نشانی شده یعنی که در ساحات سرخ و سبز گذاشتن یک خشت روی خشت ممنوع است و هرگونه کار و انکشاف که توسط بشر در آن دخیل باشد به‌صورت مطلق ممنوع است. دو ساحة دیگر با رنگ‌های «زرد» و «نارنجی» داریم؛ ساحات زرد قابل انکشاف است که در جنوب بامیان قرار دارد، ساحة «نارنجی» حریم ساحات سرخ را تشکیل می‌دهد. در صورتی که این ساحة آبدات، تاریخی، باستانی و تمدنی ما را متأثر نسازد و سبک زندگی سنتی را از بین نبرد خیلی ممانعت انکشاف وجود ندارد و الی در آن قسمت هم کار، انکشاف و هرگونه فعالیت‌هایی که جز صنعت امروز بشر محسوب شود ممنوع است.

باتوجه به این تعریف که عرض کردم در سال‌های گذشته باتوجه به وضعیت جنگی کشور و بعضی وقت‌ها که فضای انتخاباتی خیلی اوج می‌گیرد و سایر موضوعات تحت شعاع قرار می‌گیرد که در این موارد ما ساحاتی را از دست دادیم، اما اداره محلی بامیان مصمم است چه در بازار که ما به نام بازار «غلغله» یا بازار بامیان یاد می‌کنیم و هم‌چنان ساحاتی که مربوطه ساحات سرخ و ساحات آثار تاریخی و باستانی می‌شود. اگر یک مقدار تغییرات پیش آمده که این مغایرات دارد با اصل ماستریلان فرهنگی بامیان و مغایرت دارد با آن تعریفی که یونسکو از ماستریلان فرهنگی دارد؛ ما تلاش داریم ساحات را دوباره احیا کنیم و خانه‌هایی که اگر ساخته شده باشند تخریب گردد؛ چنان‌چه در دو سه سال اخیر ما به صدها خانه را در همین ساحات تخریب کردیم و کسانی که جایجا شده بودند، کوچ دادیم.

طبیعی است که سیاست و پالیسی کلی اداره محلی بامیان حفاظت از آثار تاریخی است، اما یک مشکل دیگری هم در این قسمت وجود دارد که متأسفانه برخی‌ها می‌خواهند ساحات تاریخی، آثار تاریخی و حتی همین ماستریلان فرهنگی بامیان را سیاسی بسازند و از سیاسی ساختن این‌گونه موضوعات ما چیزی بدست نمی‌آوریم غیر از اینکه آبدات تاریخی و تمدنی خود را ضربه بزنیم، روی این لحاظ توقع و انتظار اداره محلی بامیان این است که همه شهروندان بامیان و همه سیاست‌گذاران افغانستان باتوجه ارزش و جایگاه که آثار تاریخی بامیان دارد فکر کنند نه بر شایعات و دروغ پراگنی‌ها و نفرت پراگنی‌هایی که بعضی‌ها به این وسیله می‌خواهند به اهداف نامیوم خود شان برسند.

**آقای احمدی ما هم در چند مورد شاهد بودیم که اداره محلی بامیان اقدام کرد و خانه‌هایی که قرار بود در ساحات سرخ و سبز ماستریلان فرهنگی ساخته شود، اقدام شد و خانه‌ها تخریب گردید. اما در بعضی جاها شکایت‌هایی وجود دارد از جمله تپه الماس همین سرک که کشیده شده در برخی موارد شکایت‌ها وجود دارد. اینجا ساحة سرخ است یا سبز من دقیق نمی‌دانم، اما انکشاف صورت گرفته، در این قسمت چه گفتنی دارید؟ ... این پرسش را از خود والی بی‌رسید. درست است.**

در قسمت اینکه در گذشته مشکلات وجود داشته و در اکثر موارد آثار باستانی قاچاق شده است، در سال‌های اخیر که چند بار امنیت ملی یکی دو نفر از قاچاق‌بران را با دستگاه شان دست‌گیر کرد و ریاست امنیت ملی هم‌چنان گفتند که یک لیست را هم داریم و ما آنرا افشا می‌کنیم. همین مساله چطور شد؟ افشا شد یا نشد؟ بررسی‌های آن به کجا رسیده است؟ ما در سال ۱۳۹۶ سه مورد کشف و ضبط دستگاه گنج‌یاب داشتیم، همراه با افرادی که در این قسمت فعالیت می‌کردند و هدف شان قاچاق آثار تاریخی بودند. البته در قسمت افشای لیست من به‌عنوان سخنگوی اداره محلی بامیان چنین چیزی را تایید نمی‌کنم که ما لیستی را داشته باشیم و افشا نکرده باشیم به‌خاطری که در اداره محلی بامیان هیچ‌چیز نباید پنهان باشد.

**شما از یک قرارداد صحبت کردید که از نزد قاچاق‌بران بدست آمده و در آن نام افراد ذکر شده است، خود والی ادعا کرده بود که حتی شماره‌های تماس و امضای شان نیز است. والی بامیان از ریاست امنیت خواسته بود که بعد از بررسی نام افراد را افشا کنند!** اگر به یاد دوستان رسانه‌گر ما باشد همان متن قرارداد را ما در صفحات اجتماعی با رسانه‌ها شریک کردیم. در آن متن امضای چند نفر بودند که باهم قرارداد داشتند؛ مثلا ماشین از من باشه کار از کی باشه پول از کی باشه و بالاخره سهمیه چه گونه باشد؟ کل موضوع همین بود؛ افراد تحت پیگرد بودند، تعدادشان دستگیر شده و قضایا از طریق مراجع عدلی-قضایی پیگیری شد و آن مورد اول بود. بعد از آن ما دو مورد دیگر هم در این قسمت دست آورد داشتیم و خوشبختانه اداره محلی بامیان به‌همکاری مردم و با جدیت نیروهای کشفی و استخباراتی در سال گذشته موفق به دست آوردهای خوب در این قسمت بوده است.

**احمدی صاحب وقتی قاچاق‌چیان را دست‌گیر شدند، از آن‌ها پرسیده شد که بیشتر چه افرادی دست داشتند؟** البته دست آوردهای اداره محلی بامیان نشان می‌دهد که در قاچاق آثار تاریخی بامیان کدام باند قدرت‌مند مافیایی که همه‌چیز را تحت کنترل داشته باشد، اعمال نفوذ کند و اشراف داشته باشد چنین چیزی را به دست نیاوردیم، بلکه خرده قاچاق‌چیان بودند که به شکل فردی یا جمعی هم که بوده بیش از سه چهار نفری نبوده که آمدند اقدام کردند و خوشبختانه دستگیر شدند، ولی یک موضوع دیگر را هم در نظر داشته باشید که در برخی موارد چیزی که اداره محلی بامیان به دست آورده یک عدد در سدد بدنام کردن بامیان هم استند؛ به این معنا که در خیلی از ساحات و مناطق بعضی‌ها ادعا می‌کنند که خوب قاچاق‌چیان آمده و دست به کاوش‌های غیر قانونی می‌زنند، حفریات غیرقانونی را انجام می‌دهند. وقتی اداره محلی بامیان در این قسمت تحقیق کردند و نیروهای کشفی خود را فرستادند از مردم کمک خواستند صحت نداشتند. مثلا در ولسوالی نمبر ۲ یکه ولنگ که جز آثار باستانی است مردم ادعا کرده، اما حقیقت نداشته یعنی در محدوده جغرافیای بامیان دست آنها را گرفتیم.



تصویری از مناطق کوهستانی بامیان که در آنجا آثار تاریخی و باستانی وجود دارد.

جلوگیری صورت گرفت، چانه‌زنی‌های سیاسی بسیار جدی وجود داشت و وجود دارند که ما از طریق همکاری‌های جهانی و کشورهای دوست و همکار در بخش آثار تاریخی و تمدنی بامیان با آن‌ها صحبت داشتیم و با آن‌ها از طریق نشست‌های که در بامیان بودند و بعضی نشست‌هایی که در کشورهای خارج مثل جاچان و ایتالیا و آلمان بودند متقاعد کردیم که در این قسمت با اداره محلی بامیان همکاری کنند. خوش بختانه در سیزدهمین نشست علمی-تخنیکی و تخصصی که در سال گذشته در آلمان بودند و در شهر مونیخ و هم به تعقیب آن در جاپان برگزار شدند در راستای حفظ و حراست از ساحات تمدنی و آبدات تاریخی بامیان پلان‌ها و برنامه‌های مشخص روی دست گرفته شدند و ما امیدوار هستیم که قدم به قدم بتوانیم در راستای حفاظت از آثار تاریخی و منظرهٔ طبیعی و فرهنگی بامیان چون بامیان در کلیت یک وادی فرهنگی محسوب می‌شود. از یک طرف آثار و آبدات تاریخی دارد و از طرف دیگر فضای سبزی که دارد و این فضا از منظره تمدنی و فرهنگی بامیان محسوب می‌شود، در این قسمت ما گام‌هایی را برداشتیم و بر می‌داریم و در کل برای اداره محلی بامیان و برای دولت جمهوری اسلامی افغانستان و هم‌چنین همکاران ملی و بین‌المللی ما حفاظت از آثار تاریخی یک اصل است و ما در این قسمت مطابق قانون و مطابق کنوانسیون‌هایی که افغانستان به آن ملحق شده مطابق تعهداتی که اداره محلی بامیان و دولت افغانستان به جهان و فرهنگ دوستان داده ما پای بند هستیم و در این راستا کوشش کردیم و کوشش می‌کنیم. ممکن چالش‌ها و مشکلات در این قسمت وجود داشته باشد، اما بر عزم و اراده خود ایستاد هستیم تا از آثار، آبدات و ارزش‌های تاریخی و تمدنی بامیان حفاظت و حراست بکنیم.

**احمدی صاحب شما از اهمیت بامیان و ساحات تاریخی بامیان یاد کردید که دارای اهمیت ویژه‌ی است و هم‌چنان اشاره کردید به ماستریلان فرهنگی که بامیان یگانه شهری است دارای ماستریلان فرهنگی. در قسمت تطبیق آن گاهی شکایت‌هایی وجود داشته که خود ماستریلان فرهنگی در بعضی ساحات نقض شده در این قسمت بگوئید که آیا واقعا تطبیق شده و یا شما هم تایید می‌کنید که نقض شده است؟** البته اداره محلی بامیان باتوجه به تعهداتی که دارد هیچ‌گاهی به‌عنوان ناقض اصول و میکانیزم تطبیق ماستریلان فرهنگی عمل نکرده.





لایق احمدی استاد باستان شناسی دانشگاه بامیان:

# در یک کلام «تپه الماس» ساحه باستانی بود و خراب شد

[گفت و گوی هفته نامه جاده ابریشم  
با لایق احمدی استاد باستانی شناسی دانشگاه بامیان]

گفت و گو از: الیاس طاهری



منتها در یک کلام «تپه الماس» تپه باستانی بود و خراب شد، و این حرف را باستان شناس می فهمد، این را کسی که حفريات کرده می شناسد در حفريات لایه های خیلی کوچک را حفريات می کند؛ دوسانتي سه سانتي و پنج سانتي از پنج سانتي بیشتر هر مرحله حفريات نمیشه استوگرافي يا همان طبقات تحليل می شود و آثار که پیدا می شود تحليل می شود. ولی این کار نشد، اسکواتور آمد و ساحه را خراب کرد و سرک را کشیدند. حالا آب رفته است. این از وقت قابل نگرانی بود و ایکاش از وقتی که تصمیم گرفته می شد یک مشوره صورت می گرفت. منتها تپه الماس خراب شد و حالا باید راه کاری بسجد که مردم از گرد و خاک اخیث نشود.

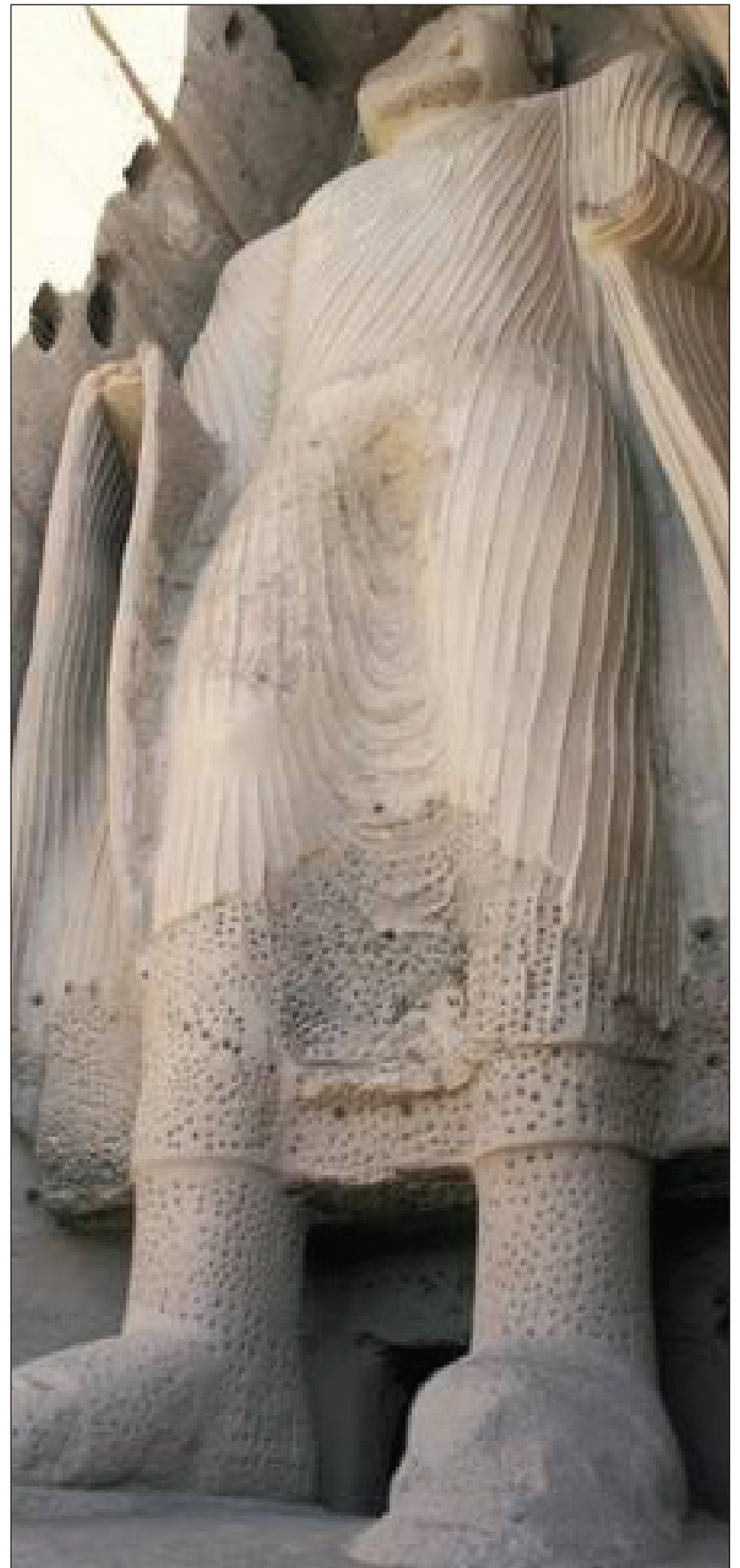


رابطه هم بگویند؛ شکایت های وجود داشته که اشیای عتیقه و آثار تاریخی بامیان مورد دست برد و یا قاچاق قرار گرفته است.

یقیناً نه تنها بامیان که در سطح افغانستان به جرات می توانیم بگویم که همه روزه آثار باستانی از ساحات مختلف سرقت می شوند. بعضی هایشان را که دولت و نهاد کشفی خبر می شوند رسانه ای می شوند، من مطمئن هستم که آثار باستانی از ساحات مختلف افغانستان مخصوصاً از بامیان که بسیار غنی است دزدیده و قاچاق می شود. بخش از این آثار توسط نیروهای کشفی دستگیر و به موزیم تحویل داده می شود و بخش دیگر آن از مرزهای افغانستان -چه از میدان هوایی و زمینی- بیرون می شوند. در این نیز مطمئن هستم که آثار باستانی افغانستان بین مردم، پیش قاچاق بران و عتیقه فروشان نیز استند. ولی یک موضوع دیگر هم است که ما بیشتر تمرکز کردیم روی اینکه آثار باستانی منقول مثل؛ سکه، کوزه، کتیبه ها و چیزهای که قابل نقل استند توسط یک مسافر به راحتی نقل و قاچاق می شود، ما برعلاوه که در این مورد نگرانی داریم در رابطه با تخریب مستمر آبدات و سایت های باستانی هم هستیم. به عنوان مثال شما اگر در کلیگان یکه ولنگ بروید؛ استوپه کلیگان خیلی معروف است. درست است که پیش مردم افغانستان نا شناخته است، اگر متون خارجی را مطالعه کنیم اگر با محقق خارجی از استوپه کلیگان یکه ولنگ نام بگیریم یک خاطره از آن دارد. مفاهیم زیاد نهفته در آن است که آن ها می دانند چه است. متاسفانه ما در بامیان زندگی می کنیم، وقتی در کلیگان یکه ولنگ می رویم استوپه را می بینیم در وضعیت بسیار خراب قرار دارد. اطراف استوپه را زمین های زراعتی گرفته، حتی خاک های ساحه باستانی را از آنجا گرفته به عنوان کود زراعتی استفاده کردند. به همین شکل چهل برج و اکثر ساحات باستانی در بامیان به این وضعیت قرار دارند. به عنوان نمونه من عرض می کنم بودای بامیان یا مجموعه ای از بوداهای بامیان ثبت میراث جهانی استند. منار جام غور ثبت میراث جهانی است. ولی این میراث جهانی بودا یک مقدار وضعیت اش خوب تر است، توجه می شود و گردشگران از آن باز دید می کند، اما منار جام در یک جای قرار دارد که در میراث جهانی ثبت است ولی نظر به شهرت که دارد بازدید کننده بسیار کم دارد. دلایلش هم مسئله امنیت است. این موضوعات دست به دست هم داده که نمی گذارند صنعت گردشگری رشد کند و آثار باستانی به عنوان جاذبه فرهنگی به مردم و جهان معرفی شود.

اینکه در مورد حفظ آثار باستانی بامیان چه از جانب مردم و حکومت محلی کوتاهی صورت گرفته بر می گردیم. اگر در مورد قاچاق بگویند که کدام افراد بیشتر آثار تاریخی بامیان را به سرقت برده اند.

اگر یک مقدار عمیق تر بحث بکنیم خود مردم محل آثار را قاچاق می کنند و خود مردم دست دارند. به عنوان مثال ما صحبت های زیاد از دور- دست های افغانستان می شنویم و مخصوصاً در بامیان که یک کسی خانه می سازد و یک اثری را پیدا می کند، اما به دولت تسلیم نمی کند. چندین سال پیش خود نگاه می کنند و در صدد این استند که بفروشند و امرار معیشت کنند. حالا آثار تاریخی را بفروشند یا سایت تاریخی را حفريات غیرقانونی کنند و آثار را پیدا کنند، ولی وظیفه و رسالت دولت است تا اذهان عامه را از طریق برنامه های طراحی شده آگاه بسازند تا خورد مردم با درک اهمیت تاریخی آثار باستانی به حفظ آن تلاش کنند، که ما در این سطح نرسیده ایم. یک چیز را هم باید خاطر نشان کرد که قاچاق آثار باستانی در تمام دنیا است. حتی در کشورهای توسعه یافته، شهر رم که یکی از شهرهای باستانی جهان است قاچاق آثار جریان دارد، اما در آنجا دولت بیشتر تسلط دارد، سایت های باستانی خود را تعریف کرده و می دانند که کجا ساحه باستانی است و مربوط کدام دوره تاریخی می شود. در افغانستان، امریکایی ها از طریق ستلایت کشف کرده بود که «پنج هزار ساحه باستانی» وجود دارند. ولی پلان مشخص برای تعریف و حفظ آثار باستانی در افغانستان وجود ندارد. مخصوصاً در بامیان به همین لحاظ آثار باستانی، سایت های باستانی و آبدات تاریخی خیلی در معرض آسیب قرار دارد، همه روزه توسط طبیعت و انسان خراب و قاچاق می شوند.



در نخست اگر بگویند که آثار تاریخی بامیان دارای چه اهمیت تاریخی، اقتصادی و فرهنگی است؟

یقیناً آثار باستانی و تاریخی اهمیت خاص خود را دارد. خوب است که یک کمی منسجم تر، کاربردی تر و اقتصادی تر صحبت و تعریف گردد؛ اهمیت اقتصادی آن بیشتر برجسته شود: آثار تاریخی در دو جنبه خیلی اهمیت دارد؛ یکی منفعت اقتصادی و دوم تمرکز دانشگاه ها روی دریافت هویت های گم شده نهفته در درون این آثار است که یقیناً این آثار در زیر زمین و بعضی آثار به عنوان آبدات تاریخی در بالای زمین حضور دارد.

بامیان یک شهر واقعاً منحصر به فرد است که آثار باستانی زیاد را به خود جا داده است. این آثار باستانی نیاز به تحقیق بیشتر دارد. همان گونه که همه می دانند، منابع تاریخی از قرن های بسیار دور تا حالا روایت های که دارند این روایت ها در کتاب های جدیدی که چاپ شده نقل قول شده اند، اما آن واقعیت های تاریخی نهفته در درون آثار باستانی است که تاهنوز از دل آثار باستانی کشف نشده و بالای آن کار نشده است. من می خواهم بگویم که به لحاظ فرهنگی دو بخش فعلاً خیلی اهمیت دارد؛ یک، برای دانشگاه ها و مراکز تحقیقی که آن ها بیشتر به دنبال کشف واقعیت های تاریخی گم شده در درون این آثار است. دو، آثار باستانی و تاریخی به عنوان جاذبه های توریستی است. بخش بزرگی از گردشگران توریستی بامیان، همیشه علاقمند به بازدید از بودای بامیان است که آن ها دیدند، خواندند و شنیدند.

تحقیقات که شما به عنوان استاد باستان شناسی در دانشگاه بامیان انجام دادید چند نوع آثار باستانی از دوره های مختلف از تمدن بامیان به ثبت رسیده است؟

باید با تأسف عرض کنم که تاهنوز تحقیقات همه جانبه علمی در رابطه به آثار باستانی بامیان، مشخص از طرف دیپارتمنت باستان شناسی دانشگاه بامیان صورت نگرفته است. اول اینکه ما کادر علمی بسیار کم داریم؛ سه نفر در یک دیپارتمنت تدریس می کنیم. ما از عهده تدریس برآمده نمی توانیم چه رسد در سطح که ما تحقیق کنیم. پلان هایی هم داریم و به عنوان مسوولیت هم می پذیریم که در ابعاد مختلف آثار باستانی تحقیق کنیم و نتایج تحقیقات خود را از طریق هفته نامه ها و روزنامه ها همگانی بسازیم. اما فرانسوی ها بیشتر در مورد آثار تاریخی بامیان کار کرده است که در منابع فرانسوی نوشته و نشر شده است. به همان علت است که ما از سال ۲۰۱۲ تا حالا تلاش کردیم که حداقل دیپارتمنت زبان فرانسوی یا کورس زبان فرانسوی در دانشگاه بامیان ساخته شود. ما با فراگیری زبان فرانسوی می توانیم موضوعات جدیدی را سر زبان بیاوریم تا متون فرانسوی مورد بحث قرار بگیرد. نمی شود که ما فقط در ساحه حضور پیدا کنیم و تحقیق کنیم، بلکه از متون فرانسوی می توانیم متون دسته اول استخراج کنیم و بعد از آن تحقیق کنیم. خوشبختانه حالا تجهیزات زبان فرانسوی مکمل شده و در آینده بسیار نزدیک شروع خواهد شد. تمام استادان و دانشجویان باستان شناسی علاقمند استند که به همین منظور و هدف زبان فرانسوی را یاد بگیرند.

شما از اهمیت تاریخی، اقتصادی و فرهنگی آثار باستانی بامیان گفتید، اگر در این



## تجارت‌اشای عتیقه و احجار کریمه در بامیان

● سال دوم ● شماره ۹۱ ● شنبه ۸ نور ۱۳۹۷ ● ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ ● قیمت:۲۰ افغانی



**تشکر جناب استاد! به جز آگاهی دهی برای مردم دیگر چه راهی برای حفظ آثار باستانی بامیان وجود دارد که از قاچاق و تخریب بیشتر جلوگیری گردد.**

اول طرح امنیتی باید داشته باشد. مخصوصاً اگر در رابطه به بامیان صحبت کنیم متوجه هستیم زمان که مسافرین از دروازه‌های بامیان وارد شهر بامیان می‌شوند، شدیداً تلاشی می‌شوند. اما وقتی که ما طرف کابل می‌رویم و یا از بامیان خارج می‌شویم هیچ تلاشی نیست. تصور کنید که اگر یک قطعه از آثار باستانی پیش ما باشد به راحتی می‌توانیم از شهر بامیان خارج کنیم. در قدم اول باید نهادهای امنیتی یک طرح داشته باشند تا دروازه‌های خروجی بامیان جدی بگیرند و نگذارند که آثار باستانی از دروازه‌ها بیرون شوند. در قدم دوم پیشنهاد ما مشخص این است که نهادهای امنیتی مخصوصاً قطعه ۱۲ ۰ یک ورکشاب برای نیروهای امنیتی دایر کنند تا خود این‌ها از آثار باستانی آگاهی داشته باشند که چه است. ما یکی آثار باستانی داریم و یکی شبه آثار باستانی. یک وقتی یک مجسمه بودا به اندازه ۳۰ سانتی متر یعنی یک ریلیف از جلال آباد پیدا شده بود و اصل بود که چنین آثار را باید کارمندان موزیم انتقال بدهد، در غیر آن هرکی انتقال بدهد قاچاق بر شناخته می‌شود. و اما گاهی اوقات هنرمندان عین آثار را می‌سازند که شبه آثار باستانی می‌شوند؛ چه از فلز چه از سنگ، گل و از گج. ما متوجه هستیم که در دروازه‌های کابل-غزنی، مزار-هرات و در جاهای دیگر یک فهم درست در بین نیروهای امنیتی از آثار باستانی وجود ندارد. باید سیمینار و ورکشاب برایشان دایر شود تا آن‌ها بدانند که ما انواع از آثار باستانی داریم. شبه آثار باستانی را همه می‌توانند پیش خود نگاه کنند ولی آثار باستانی را کسی حق ندارند؛ مگر اینکه اجازه‌ی از وزارت اطلاعات و فرهنگ و موزیم ملی را داشته باشد.

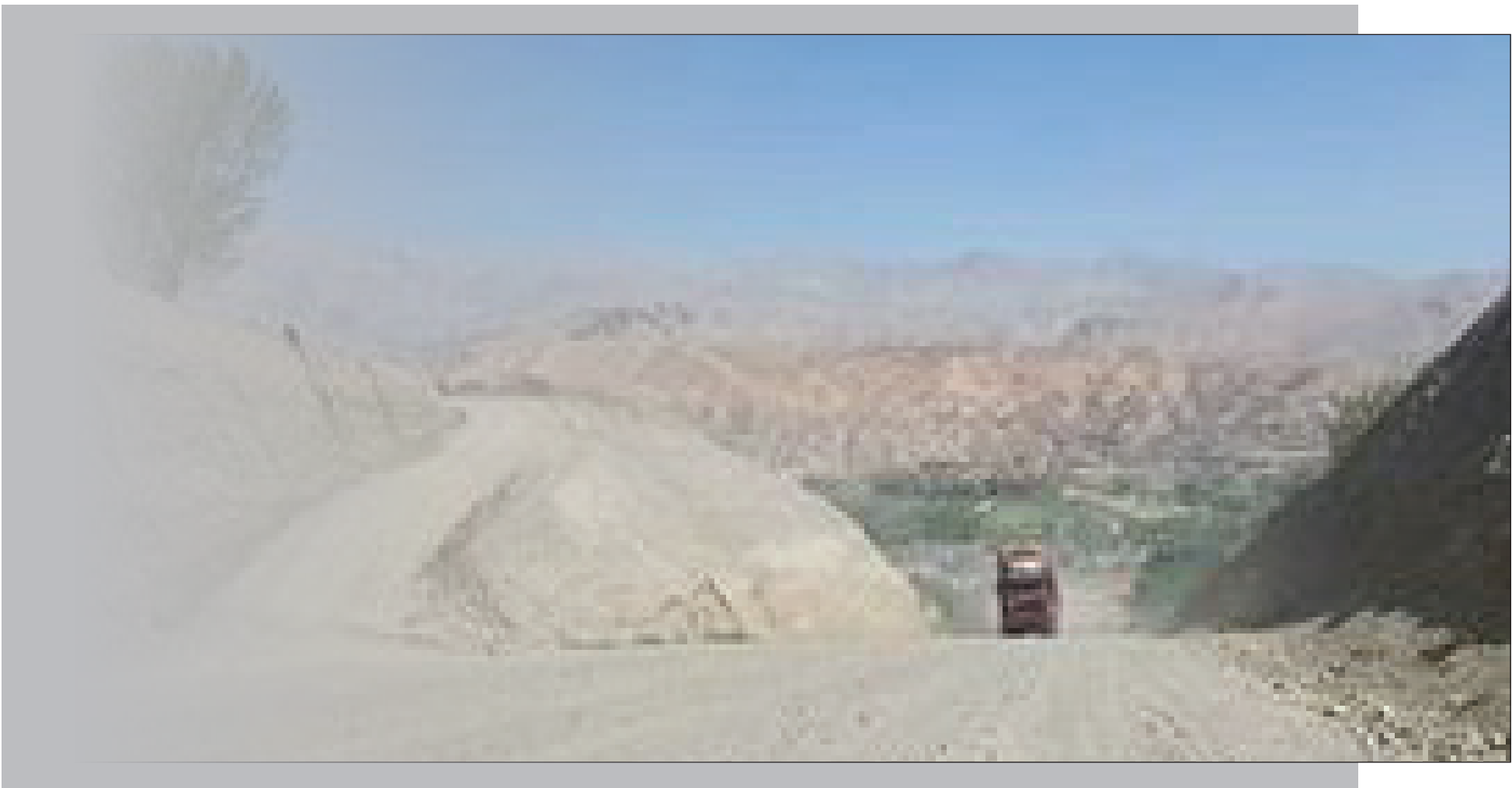
کاوشگری‌ها و حفاری‌های غیر قانونی در ولایت بامیان از گذشته تا اکنون جریان دارد. تنها در سال ۱۳۹۶ سه بار کاوشگران غیرقانونی دستگیر شدند، شما چقدر نگرانی دارید و هم‌چنان برای حفاری‌های قانونی پیشنهاد مشخص دارید؟ هرکس که دغدغه‌ی فکری نسبت به آثار باستانی بامیان داشته باشد بیاید و سایت‌های باستانی بامیان را ببیند، خیلی نگران می‌شود. چندی قبل شهر ضحاک رفتم؛ قسمت از شهر ضحاک را تازه کنده بودند، حالا نمی‌دانم که چیزی از آنجا پیدا کردند یانه؛ منتها حضور یک قاچاق بر در ساحه باستانی عملاً شواهدش موجود است. چند وقت پیش شنیدیم و خودم دیدم که یکی از مقبره‌ها را در میره‌اشیم کردند. معلوم نیست که از آنجا چه بیرون کردند. همه این‌ها بر می‌گردد به یک مدیریت درست منابع فرهنگی و در درون این مدیریت درست منابع فرهنگی، مدیریت گردشگر جا دارد، اگر یک پلان منسجم، تعریف شده و خوب و منطقی و علمی در رابطه به مدیریت گردشگری در سطح ولایت بامیان باشد و دولت مرکزی این را حمایت کند و از این آدرس در جیب تک‌تک مردم بامیان چه در دره ککرک، یگه ولنگ، فولادی، سیغان و غیره واریز شود؛ بعد از آن مردم خود به خود آثار باستانی را حفظ می‌کنند و جلو قاچاق‌بر را می‌گیرند و نمی‌گذارند که این پتانسیل اقتصادی از بین بروند. سؤال شما دقیق است و پاسخ سؤال شما در درون سؤال شماس‌ت، به خاطر که ما جلو حفری‌ات غیرقانونی را بگیریم باید حفری‌ات قانونی داشته باشیم و زمان که ما حفری‌ات قانونی داشته باشیم باید موزیم داشته باشیم. چرا؟ زمان که حفری‌ات صورت می‌گیرد نتیجه‌ی حفری‌ات به دست آوردن مجسمه‌ها و آثار زیر زمینی است که در آن زمان مردم استفاده می‌کردند، آن را اگر ما پیدا کنیم در کجا کنیم؟ نمونه‌اش اگر شما در ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان مراجعه کنید آثار باستانی که در جریان حفری‌ات پیدا شده در یک دیپو نگهداری می‌شود. این به این می‌ماند که ما تاهنوز نگهداری آثار باستانی را از کچالو تفکیک نتوانستیم. در صورت که در تمام دنیا حتی کشورهای توسعه نیافته که یک پلان فرهنگی در رابطه به منابع فرهنگی خود دارند، این‌ها در هر ولایت خود موزیم دارند آثار که از ولایت پیدا می‌شود در موزیم نگهداری و نمایش داده می‌شود که موزیم هم عاید اقتصادی دارد و هم آثار ما حفظ می‌شود و هم پلان برای حفری‌ات است. از طرف دیگر قانون حفاظت میراث‌های فرهنگی، تمام حفری‌ات را منحصر ساخته به ریاست باستان شناسی در کابل و یک کمیته خاص که نظارت دارد بالای این حفری‌ات برای کشف آثار در سراسر افغانستان. اگر یک تعدیل در قانون حفاظت میراث‌های فرهنگی بیاید و آنجا مشخصاً ذکر شود که نهادهای اکادمیک پیشنهادات تحقیق خود را بسپارد به کمیته خاص که وزارت اطلاعات و فرهنگ آنرا مدیریت می‌کند و بودجه‌ی همین حفری‌ات و کاوش‌های باستانی هر مرجع علمی که می‌خواهد حفری‌ات بکند به گردن خودش و این‌ها فتد را یا از خارج می‌گیرند و یا از داخل کشور و یا از هر جای دیگر پیدا می‌کنند و یا شخصی می‌پردازند. منتها وزارت در جانب آن‌ها باشد و آن‌ها را حق بدهند تا ساحات باستانی را حفری‌ات قانونی انجام بدهند، آثار را تسلیم موزیم کنند، نتیجه حفری‌ات را به زبان‌های ملی منتشر بسازند. یک مساله که بامیان را واقعاً متضرر ساخته از سال ۲۰۸ یا ۲۰۹ که حفری‌ات طرزی در بامیان شروع می‌شود و آقای طرزی نوشته‌های زیاد دارد و امیدوارم که روزی آن را به زبان ملی منتشر بسازد که تاهنوز منتشر نشده است. از طرف دیگر مجموعه‌ی کار گروهی که در رابطه به مرمت بقایا و پارچه‌های که بعد از انفجار بودا بود این‌ها را جمع آوری کردند، مغاره‌ها و سایر کارهای تحقیقاتی–علمی که در بامیان صورت گرفته بیشتر در زبان ملی نوشته نه شده است؛ کلاً به زبان انگلیسی به زبان جرمنی و به زبان فرانسوی است که برای تمام مردم قابل فهم نیست، کمتر به انگلیسی و بیشتر به زبان جرمنی. من شاهد هستم که بهترین و خوب‌ترین منابع که با مطالعه آن منابع ما می‌توانیم حرف‌های جدیدی را داشته باشیم.

**دیپارتمنت باستان شناسی دانشگاه بامیان تاکنون چه کارهای را انجام داده و شخص خود شما در این قسمت چه**

**مطالعاتی را انجام دادید.**

ما زیاد تلاش کردیم که از ظرفیت‌های موجود استفاده خوب داشته باشیم. تشکیلات دیپارتمنت خیلی ساده است. ۱۸۴ دانشجوی باستان شناسی داریم و سه نفر استاد. یک افغانی هم از طرف وزارت تحصیلات عالی در مورد تحقیقات باستان شناسی در دانشگاه بامیان در نظر گرفته نه شده است. هدفم این است که لابراتوار بسازد، حتی ما یک دوربین هم نداریم که ساحات باستانی را عکس بگیریم و وضعیت امسال آن را با سال‌های گذشته مقایسه بکنیم. ما به یک نحوی پلان‌های داریم که ابعاد مختلف این مسائل را چه در قالب سیمینار دانشجویان و چه در قالب مونوگراف‌ها چه در قالب ترفیع استادان و چه در قالب مقاله استادان. به‌طور نمونه ما از سال گذشته تا حالا دیدیم که توریسم یاگردشگری در بامیان اهمیت زیاد دارد. ما چند موضوع مونوگراف را مشخص تأیید کردیم که روی این مسئله کار کند. مثلاً من خودم رتبه ترفیع خودم را «چشم انداز توسعه‌ی گردشگری» در بامیان تعیین کردم. یقیناً کارهای تحقیقاتی زمان‌گیر است و ما هم تازه شروع کردیم. من درجه ماستری‌ام را تمام کردم. از آن دوره تا اکنون بیشتر از یک سال نمی‌گذرد، ولی ما به خاطر کار و تحقیق هم دور نما داریم هم استراتژی‌ی. اگر بست بیشتر برای ما بدهد و ریاست محترم دانشگاه همکاری کند ما پلان‌های خوبی داریم در رابطه به تحقیق روی سایت‌های مختلف باستانی در بامیان. عرض شود که ما تا حالا ۱۴۳ ساحه باستانی را در مرکز بامیان، یکه ولنگ و بعضی جاهای دیگر شناسایی و فهرست کردیم. اگر شود که این فهرست را با «ریاست باستان شناسی» در جریان بگذارایم، و بگوییم که ما نه کاوش می‌کنیم و نه هیچ کار دیگری را انجام می‌دهیم؛ فقط وضعیت آن را مطالعه می‌کنیم که در چه وضعیت قراردارد؟ آیا به‌عنوان یک پتانسیل و جاذبه توریستی می‌توانیم آن‌ها را مدیریت کنیم، یانه؟ و خوشبختانه من خودم جاهای زیاد پروگرام گرفتم می‌شود که تمام این ساحات را در قالب یک نقشه نمایش بدهم. و بعد از آن از شماره یک شروع کنیم؛ ساحات باستانی که در معرض خطر قراردارد، روی آن کار کنیم و هدف از کار حفری‌ات نیست. فقط ساحه را مطالعه می‌کنیم ساحه که تهدیدات زیاد است معلومات جمع آوری می‌کنیم در سایه این مطالعات شاید ریاست اطلاعات و فرهنگ، مرکز معلومات گردشگری، ولایت و شاید نهادهای دیگر در سال آینده پلان‌های مدیریتی برای توسعه گردشگری داشته باشند. اگر برای ما بست بدهد شاید خود دیپارتمنت به‌جایی برسد که اسکارلرشپ بدهد، سطح دانش باستانی بالا برود و پلان‌های خوبی برای حفری‌ات داشته باشیم. از امکانات اندک گفتید و هم چنان اشاره کردید که در دیپارتمنت «باستان شناسی» بست کم داریم. از جانب اداره دانشگاه چه کارهای صورت گرفته، برای اینکه این دیپارتمنت به دانشکده ارتقا پیدا کند.

البته ما تمام مسوولیت را نمی‌توانیم به گردن ریاست دانشگاه بیندازیم. به خاطر که در سطح وزارت تقسیم بست عادلانه نیست. از طرف دیگر دانش «باستان شناسی» برای خود وزیر تحصیلات عالی نا آشنا است. دانش باستان شناسی در جامعه اکادمیک افغانستان قسم که در اروپا تعریف شده، تعریف نه شده است. به همان دانش باستان شناسی در افغانستان نه تنها در اولویت نیست که در ردیف فیزیک، کیمیا و ریاضی و زراعت قرار ندارد. دیپارتمنت باستان شناسی را از روز که تأسیس کردند دیگر هیچ طرحی از طرف وزارت و جاهای دیگر نیست، و ما شرع کردیم. سال گذشته بحث‌های که در بین اعضای فاکولته و شورای علمی مطرح شد ما گفتیم که در قدم اول باید دیپارتمنت باستان شناسی و انسان شناسی [ساخته] شود. در جریان زمان اگر دانشکده شد هم خوبه و اگر در قالب همین هم فعالیت کند خوب است، به‌خاطر حوزه فعالیت‌هایشان گسترده‌تر می‌شود و از لحاظ علمی هم با هم دیگر ارتباط دارند. پیشنهاد رسماً از طرف دیپارتمنت نوشته شد و با تأیید شورای علمی دانشکده و شورای علمی دانشگاه رفت به طرف وزارت تحصیلات عالی و آن‌ها به پوهنتون کابل راجع کردند. پوهنتون کابل نظر مثبت داشتند، برگشت به وزارت تحصیلات عالی با تأسف که مکتوب گم شد. من خودم پیگری کردم و کاپی آن را از پوهنتون کابل بردم تاهنوز که یک سال می‌شود ما جواب مکتوب را از وزارت تحصیلات عالی نداریم، اما در قسمت بست، یک نکته را رهبری دانشگاه در قسمت دیپارتمنت باستان شناسی کوتاهی می‌کند؛ من دقیق نمی‌دانم که ارزش دانش باستان شناسی را رهبری دانشگاه نمی‌داند یا دلایل دیگری وجود دارد، ما عملاً یک بست به اعلان داشتیم و بست را از دیپارتمنت باستان شناسی گرفتند، در جای دیگر دادند. تعریف آن‌ها این بود که شما نیاز به بست ندارید. و از طرف دیگر نمونه خوبش همین است که اکادمی «تون هوانگ» چینی‌ای‌ها همین روزها در بامیان آمده است، شما می‌توانید در انترنت سرچ کنید، اکادمی «تون هوانگ» چین مشخص روی هنر بودیسم، باستان شناسی دوره بودایی در شرق کار می‌کند. آن‌ها برای محققین نه پی اچ دی می‌دهد نه ماستری و نه هیچ چیزی دیگر، فقط یک مرکز تحقیق است. هرکس که موضوع تحقیق داشته باشد به شکل کوتاه مدت سه ماه و شش ماه می‌تواند که به‌همان مرکز تحقیقات برود و تحقیق کند. این‌ها از سال ۲۰۱۴ بود ما در جلسه ولایت شاید دوستان بوده باشد پشنهاد کردیم که خواهر خواندگی «گانسو» با بامیان خیلی اهمیت دارد؛ چرا که مغاره‌های موگا شباهت‌های خیلی زیاد با مغاره‌های بامیان دارد و آن‌ها هم تخریب شده، مرحله تخریب خود را گذشتانده است. خوب است که ما الگو بگیریم. راه روی مغاره‌ها کاپی شود و ما در اینجا آن‌ها را تطبیق بکنیم. خوشبختانه مسئله خواهر خواندگی شد. به ادامه این خواهر خواندگی





# زیباترین تالاب

## پرونده به مناسبت قاچاق و فروش اشیای عتیقه و احجار کریمه در بامیان

● سال دوم ● شماره ۹۱ ● شنبه ۸ نور ۱۳۹۷ ● ۲۸ اپریل ۲۰۱۸ ● قیمت ۲۰۰ افغانی



**حکومت محلی بامیان در جریان شانزده سال یا بیشتر از آن البته من فکر می کنم به مدت هفت سال که در بامیان هستیم، زمان زیادی هم نمی شود فهم ما از شهر بامیان این است که بامیان یک شهر نیست بلکه یک روستایی است که در بالای شهر باستانی قرار دارد. بنا به چنین یک وضعیت حکومت محلی بامیان یک تیم متخصص داخلی بسیار قوی ندارد. پس ما چه توقع داریم که این ها یک شهر باستانی را مدیریت کند. یونسکو آمد ساحه سرخ را مشخص ساخت و برای دولت در یک کلام فهماند که این ساحه سرخ است و شما نگذارید که در اینجا خانه ساخته شود، انکشاف و توسعه شهری صورت بگیرد، و آن ها رفتند. تا زمانکه یک تیم متخصص و ملی اندیش داخلی نباشد ادارت محلی بامیان اصلاً نمی تواند وضعیت که من تمثیل کردم مدیریت کند. به طور مثال ماستر پلان فرهنگی و شهری بامیان در کنار همدیگر و در یکجا مدیریت می شود؛ یعنی مکمل همدیگر هستند. پوسته‌ی که در دره ککرک است از این قسمت باید سرک کشیده می شد تا این سرک از قسمت دشت عیسی خان عبور می کرد تا دره فولادی و به دشت شیبیر تو می رفت. آن سرک که از قسمت دانشگاه پایین است از قسمت پیتاب لغمان مناطق این ها کلا سرک است که این ها به عنوان شاه را نمی تواند استفاده شود؛ سایت های باستانی است. ولی چندین سال است که پلان تطبیق نشده است.**



تا سال ۲۰۱۸ دو برابر خانه در زرگران ساخته شده است. به همین شکل ماستر پلان شهری بامیان به آن شکل که باید تطبیق می شد تطبیق نشده است و ماستر پلان فرهنگی هم چنان. دلیل تطبیق نه شدن آن نبود یک تیم داخلی متخصص و دلسوز است که در کنار حکومت محلی بامیان، این ها طرحی از درون بامیان می داشتند. معمولاً متخصصان خارجی آمدند و کار کردند. خوب پلان شهر سازی یک پلان بسیار کلان است و ابعاد مختلف دارد. مثلاً بامیان سالانه چقدر رشد جمعیت دارد؟ در پنجا سال آینده نفوس شهر چقدر خواهد شد؟ تاریخ گذشته این مردم چیست؟ ایدئولوژی این مردم چیست؟ فلکور، ادب و فرهنگ و تمام مسائل مطالعه می شود. اگر پرسیده شود متخصصین خارجی چقدر با این مسائل آشنایی داشتند تا پلان شهری بامیان را بسازد کار بسیار سخت است. ولی ما می پذیریم که به لحاظ تخنیک بدون همکاری متخصصین خارجی نمی توانیم. این ها از لحاظ تخنیکی پلان ساختند، ولی ابعاد مختلف در نظر گرفته می شد؛ مسائل حقوقی، میراثی و فرهنگی است. به همان لحاظ است که قضیه پیچیده شده باید پیش بودا پارک صلصال یا به هر نام دیگری ساخته شود و در درون آن کافه شاپ و چای خانه و چیزهای دیگر ساخته شود، نمایشگاهای موقت ایجاد گردد، صنایع دستی به نمایش گذاشته شود. حالا ساخته نمی شود به خاطر که چند خانه در آنجا هست و هیچ کسی نمی تواند زمین های شخصی را استملاک کند. دولت می تواند؛ در قانون حفظ میراث های فرهنگی سریعاً ذکر شده در جای که ساحه باستانی است هیچ کسی از افراد ملت حق ندارد که آنجا خانه بسازد، چاه حفر کند و یا قبرستان بسازد. ولی ما عملاً می بینیم که در آنجا هم خانه است هم قبرستان و هم چاه حفر شده و دولت قانوناً می تواند اقدام بکند و زمین ها را استملاک کند. زمان که دولت اقدام می کند مسائل تبعیض قومی و این ها مطرح می شود. در صورت که هیچ تبعیض وجود ندارد. هدف این است که شهر بامیان را باید درست مدیریت بکنیم و مدیریت شهر بامیان از همین ساحه شروع می شود. زمان که آنجا یک پارک ساخته شد و منابع در آمد برای مردم تأمین شد، مردم خود به خود در قسمت از شهر رجوع می کند و ساخت و ساز می کنند که دولت تعیین کردند و خدمات شهری است. اما دولت همین کار را نتوانسته است. به همین خاطر ماستر پلان فرهنگی و شهری بامیان به آن میزان که باید تطبیق می شد نشده است.

**به عنوان آخرین سؤال شما هم در جریان هستی که ماستر پلان فرهنگی بامیان در برخی موارد نقض شده، از جمله سرک که از تپه الماس کشیده است. یک بخش آن ساحه سرخ و یک طرف آن ساحه سبز است که سرک کشیده شده است؛ نگرانی این است در سال جدید شاید این سرک پخته شود، چقدر قابل نگرانی است؛ آیا خطر این وجود ندارد که بامیان از لیست میراث های فرهنگی جهان حذف شود؟ من به عنوان کسی که تا هنوز نمی توانم خودم را در رشته باستان شناسی استاد بگویم به عنوان یک دانشجویی باستان شناسی و کسی که مسائل باستان شناسی را علاقمند هستم؛ «تپه الماس» یک تپه باستانی بود. شما اگر در شهر غلغله ایستاد شوید مغاره های دیده می شود که آن مغاره ها واضح به کسان که حتی باستان شناس نباشد می فهمد که یک سایت باستانی بوده است. کشیدن سرک از اینجا خیلی غیر معقول و غیر علمی و برخلاف ماستر پلان فرهنگی بامیان بوده است. حالا این سرک کشیده شده، شما می بینید که به ارتفاع پنج متر این تپه کنده شده و از لحاظ باستان شناسی زمان که زمین کنده شد، حالا چه قیرریزی کند چه سنگ و چه خاک و خامه باشد به هر صورت سایت باستانی خراب شده است. از اینکه مردم از خاک آن رنج ببرد جلوگیری شود. منتها در یک کلام «تپه الماس» تپه باستانی بود و خراب شد، و این حرف را باستان شناس می فهمد، این را کسی که حفری ات کرده می شناسد در حفری ات لایه های خیلی کوچک را حفری ات می کند؛ دوسانتی سه سانتی و پنج سانتی از پنج سانتی بیشتر هر مرحله حفری ات همیشه استوگرافی یا همان طبقات تحلیل می شود و آثار که پیدا می شود تحلیل می شود. ولی این کار نشد، اسکواتور آمد و ساحه را خراب کرد و سرک را کشیدند. حالا آب رفته است. این از وقت قابل نگرانی بود و آیکاش از وقتی که تصمیم گرفته می شد یک مشوره صورت می گرفت. منتها تپه الماس خراب شد و حالا باید راه کاری بسنجد که مردم از گرد و خاک اذیت نشود.**

از آکادمی «گانسو» آمدند در ولایت بامیان از دانشگاه دیدن کردند عملاً ما می بینیم تعریف که دانشگاه بامیان از آکادمی «گانسو» به آن شکل که باید می بود نبود. آن ها آمدند «پریزین تینشن» را مشخص روی باستان شناسی ارائه کردند. از طرف رهبری دانشگاه مثلاً گفتند که در رابطه به زبان ادبیات دری و انگلیسی شما همکاری کنید. آن ها می گفتند که مشخص باستان شناسی و این ها می گفتند که نه، و این برای ما یک چیزی را رساند که به رهبری دانشگاه هنوز دانش باستان شناسی تعریف نه شده است. از اهمیت این دانش آنچنان که باید می دانست نه فهمیده است. فقط یک دیپارتمنت را تأسیس کردند و دغدغه که در اعضای کدوری این دیپارتمنت است خیلی فراگیر هم نشده است. جایگاه خوب باز نگرده و گاهی در کنار دیپارتمنت های دیگر قرار می دهد. در صورتی که وقتی شما به عنوان ژورنالیست از ما می پرسید کار عملی شما برای بامیان چیست و شما چه کردید؟ ما مسوولیت به مراتب بزرگ تر از سایر دیپارتمنت ها داریم، چرا که بامیان در وضعیت قرار دارد که آثار باستانی اش را قاچاق بر می برد، طبیعت خراب می کند. ما باید راه کار داشته باشیم برای این معضل و آن میسر نیست تا زمانکه ما کادر داشته باشیم و استادان ما برای تحصیل به بهترین دانشگاه های دنیا اعزام شوند، با دست پُر و دانش بالا برگردند، یقیناً که می توانند مدیریت درست علمی داشته باشند.

**در کنار اینکه مشکلات زیادی در حفظ آثار باستانی بامیان وجود دارد. خود حکومت یا**

**اداره محلی بامیان گاهی کم و کاستی داشته است. میاییم روی اینکه ولایت بامیان در کنار اینکه ماستر پلان شهری دارد «ماستر پلان فرهنگی» نیز داشته و ساحات رنگ آمیزی شده است. در این مورد صحبت کنید که از نظر شما چقدر حکومت محلی بامیان در تطبیق آن موفق بوده است. حکومت محلی بامیان در جریان شانزده سال یا بیشتر از آن البته من فکر می کنم به مدت هفت سال که در بامیان هستیم، زمان زیادی هم نمی شود فهم ما از شهر بامیان این است که بامیان یک شهر نیست بلکه یک روستایی است که در بالای شهر باستانی قرار دارد. بنا به چنین یک وضعیت حکومت محلی بامیان یک تیم متخصص داخلی بسیار قوی ندارد. پس ما چه توقع داریم که این ها یک شهر باستانی را مدیریت کند. یونسکو آمد ساحه سرخ را مشخص ساخت و برای دولت در یک کلام فهماند که این ساحه سرخ است و شما نگذارید که در اینجا خانه ساخته شود، انکشاف و توسعه شهری صورت بگیرد، و آن ها رفتند. تا زمانکه یک تیم متخصص و ملی اندیش داخلی نباشد ادارت محلی بامیان اصلاً نمی تواند وضعیت که من تمثیل کردم مدیریت کند. به طور مثال ماستر پلان فرهنگی و شهری بامیان در کنار همدیگر و در یکجا مدیریت می شود؛ یعنی مکمل همدیگر هستند. پوسته‌ی که در دره ککرک است از این قسمت باید سرک کشیده می شد تا این سرک از قسمت دشت عیسی خان عبور می کرد تا دره فولادی و به دشت شیبیر تو می رفت. آن سرک که از قسمت دانشگاه پایین است از قسمت پیتاب لغمان مناطق این ها کلا سرک است که این ها به عنوان شاه را نمی تواند استفاده شود؛ سایت های باستانی است. ولی چندین سال است که پلان تطبیق نشده است. از طرف دیگر پلان این است که بیشتر توسعه شهری به طرف دانشگاه جدید بامیان ساخته شود ولی دیده می شود که از سال ۲۰۱۱ به این طرف چقدر خانه ساخته شده و اگر شما یک عکس هوایی بگیرید و مقایسه کنید از سال ۲۰۱۱**



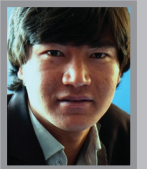


## خطر حذف بامیان از لیست میراث‌های فرهنگی یونسکو

گزارش خلاصه متن مصاحبه ها



از آنجاییکه بودجه‌ی ساخت این جلاهد را شهرداری بامیان پرداخت می‌کند، آقای احمدپور از مسوولان اداره محلی و شهرداری بامیان می‌خواهد که حداقل از آسفالت/ قیرریزی آن منصرف شوند. سرپرست این اداره تأکید می‌کند که با ساخت این سرک، قسمت‌های سرخ و سبز که در ماستریلان فرهنگی نشانی شده، نادیده گرفته شده است. به گفته‌ی آقای احمدپور، اکنون جاده از تپه الماس عبور کرده و در هر صورت با از بین رفتن ساحه سبز، زیبایی چهره‌ی فرهنگی شهر بامیان از بین می‌رود. در همین حال، کارشناسان عرصه‌ی باستان‌شناسی نیز تأکید می‌کنند که ساخت و ساز در ساحات سرخ و سبز شهر بامیان یک کار غیر معقول، غیر علمی و برخلاف ماستریلان فرهنگی است. لایق احمدی، استاد بخش باستان‌شناسی دانشگاه بامیان به این باور است که تپه الماس شهر بامیان یک سایت باستانی بوده و اکنون تخریب شده است. آقای احمدی افزود: «کشیدن سرک از اینجا خیلی غیر معقول و غیر علمی و برخلاف ماستریلان فرهنگی بامیان بوده حالا این سرک کشیده شده شما می‌بینید که به ارتفاع پنج متر این تپه کنده شده و از لحاظ باستان‌شناسی زمان که زمین کنده شد، کنده شد حالا چه آسفالت کند چه سنگ و چه خاک و خامه باشد به صورت سایت باستانی خراب شد و حالا از اینکه مردم از خاک آن رنج ببرند راه‌کار سنجیده شود که گرد و خاکش اذیت نکند.»



گزارش از الیاس طاهری

مکان‌ها، آبدیه‌ها و اثرهای باستانی و تاریخی، در هر جامعه‌ای از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است. اما این ارزش‌های تاریخی و فرهنگی در سطح جهان؛ به‌ویژه در کشور ما گاهی دست‌خوش تحولات و دگرگونی‌هایی نیز بوده است. بخش‌های زیادی از مکان‌های تاریخی به اثر جنگ‌هایی که در گذشته‌ها صورت می‌گرفته به گونه‌ی فاجعه‌باری تخریب شده و اثرهای عتیقه و منقول از سوی طرفین درگیر جنگ و بخش اندک آن توسط مردم محل به تاراج برده شده است. این تاراج فرهنگی، آسیب جدی به تاریخ و فرهنگ جامعه و مردم ما زده است.

در این میان بامیان در مرکز کشور که به شهر عجایب نیز شهرت دارد، از ولایت‌هایی است که بیشترین ابدات تاریخی و مناظر قشنگ طبیعی را در دل خود جای داده است. تندیس‌های بودا، شهر غلغله، شهر ضحاک، بندامیر، چهل برج و دره‌اژدر از مهم‌ترین داشته‌های تاریخی و باستانی است که در جغرافیای بی‌ظنیر بامیان جا خوش کرده‌اند.

به همین دلیل بامیان به لحاظ تاریخی و تمدنی دارای ارزش و جایگاه خاصی است. این جایگاه تاریخی بامیان سبب شده که در سال‌های اخیر توجه‌شماری از کشورها و سازمان‌های فرهنگی جهان به این شهر عجایب جلب شود. در این نوشته‌ی مختصر، نگرانی شماری از مسوولان و فرهنگیان بامیان به نقض بخش‌هایی از ماستریلان فرهنگی این ولایت بازتاب می‌یابد.

وادی / مرکز بامیان، تنها شهری است که در کنار ماستریلان شهری، دارای ماستریلان فرهنگی نیز می‌باشد. این ماستریلان فرهنگی، از سوی سازمان آموزشی و فرهنگی ملل متحد «یونسکو» به همکاری دولت افغانستان تهیه شده است. در کنار ثبت ۸ اثر مهم تاریخی بامیان به‌عنوان آثار در معرض خطر در سازمان یونسکو، بخش‌هایی از وادی بامیان که شامل ساحات باستانی و سبز می‌شود به منظور حفاظت و حراست بیشتر نقطه‌گذاری و در قالب ماستریلان فرهنگی مشخص شده است. براساس این پلان، هیچ‌کس حق ساخت و ساز در مناطق ممنوعه ندارند. اداره محلی بامیان نیز موظف به تطبیق این ماستریلان است.

اما سال گذشته جاده‌ای در مرکز بامیان به طول حدود ۱ کیلومتر ساخته شده که شهرک زرگران را به شهر جدید (دشت عیسی‌خان) وصل می‌کند. این جاده از جایی کشیده شده که قسمت‌هایی از ماستریلان فرهنگی را نقض می‌کند. در مسیر کشیدن این جاده، تپه‌یی قرار دارد که از آن به نام تپه الماس یاد می‌شود. در حدود ۵ متر به طرف شرقی جاده مغاره‌های دوره بودایی قرار دارد که از نظر باستان‌شناسان این ساحه باید دست‌نخورده و به شکل اولی خود باقی می‌ماند.

با این حال، احمدحسین احمدپور سرپرست اداره اطلاعات و فرهنگ بامیان در گفت‌وگو با هفته‌نامه جاده ابریشم می‌گوید، کشیده شدن سرک از تپه‌ی «الماس» سبب نگرانی جدی اداره‌ی اطلاعات و فرهنگ است و او بارها این موضوع را در نشست‌هایی که با مقام‌های محلی بامیان داشته مطرح کرده است. وی می‌گوید کسی به نگرانی‌های او توجه نکرده و وقتی نگذاشته است.

از آنجاییکه بودجه‌ی ساخت این جاده را شهرداری بامیان پرداخت می‌کند، آقای احمدپور از مسوولان اداره محلی و شهرداری بامیان می‌خواهد که حداقل از آسفالت/ قیرریزی آن منصرف شوند. سرپرست این اداره تأکید می‌کند که با ساخت این سرک، قسمت‌های سرخ و سبز که در ماستریلان فرهنگی نشانی شده، نادیده گرفته شده است. به گفته‌ی آقای احمدپور، اکنون جاده از تپه الماس عبور کرده و در هر صورت با از بین رفتن ساحه سبز، زیبایی چهره‌ی فرهنگی شهر بامیان از بین می‌رود.

در همین حال، کارشناسان عرصه‌ی باستان‌شناسی نیز تأکید می‌کنند که ساخت و ساز در ساحات سرخ و سبز شهر بامیان یک کار غیر معقول، غیر علمی و برخلاف ماستریلان فرهنگی است.

لایق احمدی، استاد بخش باستان‌شناسی دانشگاه بامیان به این باور است که تپه الماس شهر بامیان یک سایت باستانی بوده و اکنون تخریب شده است. آقای احمدی افزود: «کشیدن سرک از اینجا خیلی غیر معقول و غیر علمی و برخلاف ماستریلان فرهنگی بامیان بوده حالا این سرک کشیده شده شما می‌بینید که به ارتفاع پنج متر این تپه کنده شده و از لحاظ



باستان‌شناسی زمان که زمین کنده شد، کنده شد حالا چه آسفالت کند چه سنگ و چه خاک و خامه باشد به صورت سایت باستانی خراب شد و حالا از اینکه مردم از خاک آن رنج ببرند راه‌کار سنجیده شود که گرد و خاکش اذیت نکند.»

این استاد باستان‌شناسی با ابراز نگرانی می‌گوید که مسوولان اداره محلی بامیان پیش از آغاز کار ساخت این جاده باید با فعالان عرصه‌ی باستان‌شناسی و دیگر فرهنگیان در این ولایت مشوره می‌کردند. به گفته‌ی او این تپه بدون هیچ مشوره‌ای یک شبه توسط اسکواتور کردن کاری و سرک از آن‌جا کشیده شد.

در همین حال، حبیبه سربانی والی پیشین بامیان نیز در گفت‌وگو با هفته‌نامه جاده ابریشم گفت که تپه الماس شامل ساحات سرخ و سبز ماستریلان فرهنگی بود و نباید جاده از این قسمت عبور می‌کرد. به گفته‌ی والی پیشین بامیان، اگر چنین ساخت و سازهای بی‌رویه و غیر معقول در بامیان ادامه پیدا کند، این ولایت از لیست میراث‌های جهانی حذف می‌شود. وی همچنان اضافه کرد که باستانی بودن تپه الماس به دوران غورات و غزنه برمی‌گردد که توسط تاریخ دانان و باستان‌شناسان تایید گردیده است.

اما عبدالرحمان احمدی، سخنگوی والی بامیان می‌گوید اداره محلی بامیان باتوجه به تعهداتی که در قبال حفظ میراث‌های فرهنگی دارد هیچ‌گاهی به عنوان ناقض اصول و میکانیزم تطبیق ماستریلان فرهنگی عمل نکرده است. او اما این را می‌پذیرد که در برخی مواقع ماستریلان فرهنگی با تمام جزئیات آن‌چنان که لازم بوده تطبیق نشده است. به گفته‌ی سخنگوی والی بامیان ملاحظات سیاسی که در گذشته وجود داشته و نیز سیاسی ساختن ماستریلان فرهنگی توسط برخی افراد استفاده‌جو از مشکلاتی اند که مانع تطبیق درست جزئیات این ماستریلان شده است.

اما آقای احمدی در مورد جاده‌ای که از تپه الماس کشیده شده و براساس گفته‌های باستان‌شناسان و فرهنگیان ساحات سرخ و سبز مورد دستبرد قرار گرفته، هیچ‌گونه ابراز نظر نمی‌کند. این درحالی است که پیش از این محمدطاهر زهیر والی بامیان در این باره با برخی رسانه‌ها گفته بود که این جاده فقط به هدف سهولت در زندگی مردم بامیان ساخته شده و هیچ هدف دیگری را دنبال نمی‌کند. والی بامیان گفته بود که این جاده شهرک جدید بامیان را با شهرک زرگران از نزدیک‌ترین مسیر با هم وصل می‌کند که برای مردم اهمیت خاصی دارد. اما شماری به این باورند که با کشیده شدن سرک از تپه الماس، نه‌تنها سایت باستانی تخریب شده؛ بلکه احتمال این نیز وجود دارد که از این ساحه‌ی باستانی اثرهای عتیقه و تاریخی نیز به دست آمده و از سوی افراد مشخص قاچاق شده باشد. برخی هم به این نظرند که زمین‌های اطراف جاده مربوط به افراد زورمند است و این نگرانی وجود دارد که مبادا در آینده این ساحه‌ی ممنوعه تبدیل به شهرک و یک محل کاملاً رهاپیشی برای بود و باش مردم شود.

لازم به ذکر است که ماستریلان فرهنگی شهر بامیان در سال ۲۰۰۳ میلادی ساخته شده که براساس آن وادی بامیان در چهار زون تقسیم شده است. یک زون آن ساحات تاریخی و باستانی که به رنگ سرخ نشانی شده. زون دیگر با رنگ سبز نشانی شده و در این ساحات هرگونه ساخت و ساز و انکشاف به صورت مطلق ممنوع است. دو ساحه دیگر نیز به رنگ‌های زرد و نارنجی نشانی شده که ساحه زرد آن قابل انکشاف است و قسمت نارنجی آن حریم ساحات سرخ را تشکیل می‌دهد. در حریم ساحات سرخ در صورتی که ابدات تاریخی متأثر نشود برای ساخت و ساز مانعیتی وجود ندارد.





## بازارهای جهانی فروش آثار باستانی

ک. اسماعیل لعلی

تحولات چندین دهه‌ی گذشته و ناامنی‌ها در کشور، در بخش‌های مختلف تأثیرات زبان بار و منفی را در پی داشت. از این میان می‌توان گفت که جنگ و ناامنی در افغانستان ضربه‌ی جبران ناپذیری را به پیکره میراث‌های تاریخی، تمدنی و فرهنگی کشور وارد کرد.

در گذشته بخش‌های زیادی از کشور ما دارای داشته‌های باارزش تاریخی و فرهنگی بود که متأسفانه در حال حاضر آن شکوه تمدنی دیگر از بین رفته است. تخریب ساحات و آبدات تاریخی، حفاریات غیر قانونی و قاچاق آثار باستانی از سوی مافیای داخلی و جهانی به کمک مردم عام، از اهمیت تاریخی و فرهنگی کشور کاسته است.

از شروع جنگ‌ها و بی‌نظمی‌های داخلی تا به امروز، آثار تاریخی از گوشه‌گوشه‌ی این کشور مورد دستبرد و قاچاق قرار گرفته است. گزارش‌ها و شواهد می‌رسانند که در حال حاضر نیز کاوش‌های خودسر و قاچاق اثرهای تاریخی در برخی از ولایت‌های کشور دیده شده می‌شود و در برخی موارد اگر از توان نیروهای امنیتی باشد دستگیر می‌شوند و در غیر آن قاچاق چپان کارشان را انجام می‌دهند.

اما در این گزارش فقط به بازارهای جهانی فروش آثار باستانی پرداخته می‌شود. اینکه در کدام کشورها بیشتر تقاضا وجود دارد تا اثرهای عتیقه و باستانی در بازارهای آن برای فروش برده شود.

یک منبع که در عرصه‌ی تحقیقات باستان‌شناسی کار می‌کند در صورت افشا نشدن نامش می‌گوید کشورهای غنی و پولدار بیشتر متقاضی خرید اثرهای گرانبهای باستانی و تاریخی هستند؛ بیشتر کشورهای اروپایی.

به نقل از منبع، جاپان و در این اواخر چین نیز از کشورهایی اند که افراد سرمایه دار آن مشتاق خریداری آثار باستانی هستند. اما وی می‌گوید منظور دولت‌های این کشورها نیست؛ بلکه شهروندان پولدار آن کشورها می‌باشند. او می‌گوید که بالا رفتن میزان تقاضا از سوی این کشورها، عرضه و ارزش را نیز بلند برده است.

این منبع به صورت مشخص می‌گوید بلژیک یکی از کشورهایی است که در بروکسل پایتخت آن بازار خرید و فروش آثار عتیقه و تاریخی وجود دارد. به گفته‌ی وی در این شهر دیپلماتان و سیاستمداران برخی کشورها می‌روند و آن جا بازار اثرهایی که فروش آن منع است، نیز تبادل می‌شود؛ در این جا دکان‌ها و مراکز فروش آثار باستانی که انتیک نیز برایش گفته می‌شود، در آن جا وجود دارد و رسماً فعالیت می‌کند. در این جا بعضی آثار ممنوعه که فروش آن منع است، در یک گوشه و به صورت مخفی بین خریدار و مشتری دست به دست می‌شود. وقتی از خریدار می‌پرسد از کجا کردی؟ می‌گوید از افغانستان آوردم.

منبع همچنان اضافه می‌کند وقتی که تجارت به وجود آید، مردم نیز چون از یک طرف اقتصاد ضعیف دارند و از سوی دیگر آگاهی کافی ندارند، علاقه مند می‌شوند تا دست به حفاریات خودسر و قاچاق بزنند؛ «نمی‌خواهم از کسی نام ببرم. اصلاً مشکل، مشکل اقتصادی است. همه‌گی علاقه مند هستند که سر به خود بزنند و جایی را حفاریات کنند».

کسانی هستند که ماه یک بار به قاچاقبران محلی مراجعه می‌کنند و آثار باارزش تاریخی را از نزد آن‌ها جمع‌آوری کرده و به کابل بر می‌آورند و از این جا به بیرون از افغانستان انتقال می‌دهند. منبع تأکید می‌کند که بیشتر از این معلومات ندارد که از کابل به کدام کشور انتقال پیدا می‌کند.

منبع در اخیر تأکید می‌کند در مورد کشورهایی که عقب قاچاق اثرهای باستانی افغانستان قرار دارند، چیزی بیشتر از این گفته نمی‌تواند. اما به گفته‌ی وی خود افغان‌ها در این قسمت نقش اساسی دارند. او می‌گوید این افغان‌ها هستند که زمینه را برای قاچاق اثرهای باستانی فراهم می‌سازند.







## شهر غلغله

جواد خاوری



در جنوب غرب شهر بامیان تپه‌ای است که بنا به موقعیت سوق الجیشی خود روز گاری محل سکونت و مرکز فرماندهی فرمان‌روایان این خطه بوده است. کثرت بناهای ساخته شده بر آن، بزرگ‌ترین مجتمع مسکونی را در آن ساحه به وجود آورده بوده. به همین جهت، نام شهر به آن جا اطلاق شده است. این شهر که در نوع خود بسیار شکوهمند و رشک بر انگیز بود، در قرن ششم هجری، به دست «سلاطین غوری» ساخته شد. سلسله غوریان که به آل شنسب هم معروف است، از قرن اول تا قرن هفتم هجری، با قوت و ضعف، در نواحی غور، یعنی کوهستان‌های مابین هرات و غزنی، فرمان‌روایی کرده است. اوج قدرت و شهرت این سلسله در قرن ششم بود که سلاطین نام‌آوری چون غیاث الدین و معزالدین غوری ظهور کردند و حدود حاکمیت خود را تا اقصای هند گسترش دادند.

این سلسله سر انجام به دست خوارزم شاهیان منقرض شدند و حدود حکومت شان، از جمله بامیان و مرکز آن شهر غلغله، به دست آنان افتاد. حاکمیت خوارزمشاهیان بر بامیان چیزی نپایید که حمله مغول آغاز شد. وقتی سپاه مغول به بامیان رسید، امرای خوارزمشاهی از شهر غلغله دفاع کردند. سپاهیان مغول شهر را محاصره کردند و پس از تسخیر آن تمام باشندگان آن را از دم تیغ گذراندند و شهر را به آتش کشیدند. شدت خرابی و کشتار در آنجا به حدی بود که پس از آن به شهر غلغله مشهور شد.

ساکنان این شهر در سموچ‌های و خانه‌های مستحکم که از گل و خشت ساخته شده بودند می‌زیستند. دور تا دور این تپه از پایین تا بالا آبادی بوده در نوک تپه، جای هموار است که قصر فرمان‌روا آن جا قرار داشته است. علاوه بر آبادانی، از لحاظ نظامی و امور امنیتی نیز بسیار مستحکم بوده است. این برج و باروها در نقاط مختلف از پایین تپه تا بالا دیده می‌شود. طوری که در افسانه‌ها نقل می‌شود، خندقی هم دور تا دور شهر کنده شده بوده که همیشه پر آب بوده و امکان هر نفوذی را بر مهاجمین از بین می‌برده. با این حال، ساختمان بناهای این قلعه به استحکام و عظمت قلعه‌های قدیمی دیگر که به کافری مشهورند، مثل چهل برج گوهرگین، نیست. عرض دیوارها کم و اندازه خشت‌ها کوچک است. همین امر نشان می‌دهد که این شهر متعلق به آن تمدن نیست و قدامت کمتری دارد. دیوارهای این محل مثل دیگر قلاع بامیان از گل و خشت با تهداب سنگی ساخته شده‌اند. سطوح داخلی دیوارها کاهگل شده است. عرض دیوارها یک متر است و هنرنمایی خاصی از قبیل نقش‌های خشت کاری به چشم نمی‌خورد. با توجه به این که شهر در حمله مغول با خاک یک‌سان شده، نمی‌توان در مورد خصوصیات ساختمانی آن قضاوت دقیقی کرد.

در دامنه غربی قلعه خانه‌های گنبدی هنوز با برجاست. قطر دیوارهای این خانه‌ها یک متر و داخل شان گچ کاری شده است. گنبدهای خشتی آنها تقریباً سالمند و تازه به نظر می‌رسند. احتمالاً این چند خانه‌ی تو در تو را بعداً ساخته‌اند. کنار همین خانه‌های آباد، ویرانه‌های دیده می‌شود که خیلی کهنه و در عین حال مستحکم به نظر می‌رسند. این نشان می‌دهد که چند مرحله ساخت‌وساز در این شهر صورت گرفته است.

به هر حال این شهر در زمان خود استحکام لازم را داشته و شکست ناپذیر بوده است. استحکام و شکوه این شهر به حدی نقل شده که رشک رقیبان را بر می‌انگیخته، با این حال این شهر به دست چنگیز خان تسخیر و به کلی ویران شد. چنگیز خان که نوه‌ی محبوب خود به نام «تموجن» را در جریان فتح «شهر ضحاک» از دست داده بوده، بسیار غضبناک بود. او پس از تسخیر شهر غلغله دستور داد شهر را آتش بزنند و مردمانش را از دم تیغ بگذرانند. شهری که به استحکام و آبادانی خود فخر می‌کرد، به تلی از خاک تبدیل شد. شدت ویرانی و کشتار به حدی بود که پس از آن به شهر غلغله مشهور شد. شهر وایلا و فریاد. تصور استحکام و شکست ناپذیری این شهر به اندازه‌ای بوده است که برای شکستن آن افسانه‌ای نقل می‌کنند. بر اساس آن افسانه چنگیز خان ۴۸ روز قلعه را در محاصره گرفت و نتوانست کاری از پیش ببرد. پادشاه که در آن زمان بر شهر حکومت می‌کرد، جلال الدین خوارزمشاه بود. او دختری داشت که آوازی دلبری چنگیز خان را شنیده عاشقش شده بود. او برای این که به وصال چنگیز خان برسد، راز تسخیر قلعه را در نامه‌ی نوشت و با تیر به سوی چنگیز خان پرتاب کرد. راز این بود که باید سریند آبی را که به خندق می‌رسید ببندند. این آب از راه زیر زمینی می‌آمد و کس نمی‌دانست که از کجا سرچشمه می‌گیرد. و سریندش کجاست. دختر سلطان نشانی سریند را به چنگیز داد و او هم با قطع آب موفق به تسخیر شهر شد. بر اساس این افسانه عامل داخلی باعث شکست شد و الا قلعه در برابر دشمن همچنان می‌توانست تسخیر ناپذیر باشد. در این افسانه دختر خیانت کار به سزای عملش می‌رسد. (تفصیل این افسانه را در ادامه خواهید خواند)

«چنگیز خان پس از خراب کردن طالقان از هندوکش گذشت و بامیان را محاصره نمود. در این محاصره پسر چغتای موسوم به «موتوجن» که نوه عزیز کرده‌ی چنگیز خان بود به قتل رسید. جهان‌گشای مغول در موقع صرق غذای خبر قتل نوه‌ی عزیز کرده‌اش را به چغتای داد و به نام یاسا او را از گریستن منع کرد، ولی عزا داری خونینی به عمل آورد هیچ چیز به‌عنوان غنیمت نه گرفت، یعنی هرچه بود نیست کرد. هیچ اسیری نه گرفت، هر ذی‌رویی را بی‌جان ساخت. سرزمینی را که در آن شهر بنا شده بود به نام، ماووبالیغ (شهر ملعون) نامید.»<sup>۱</sup>

چوینی مجاری ویرانی شهر را چنین گفته است:  
«... و به بامیان رسیدند. ارباب آن را از در مخاصمت و مقاومت در می‌آمدند و از هر دو طرف دست به تیر منجنیق یازدیدند. ناگاه از شصت قضا که فتنای کلی آن قوم بود تیر بر چرخ‌ی که مهلت نداد از شهر بیرون آمد و به یک پسر چغتای رسید که محبوب‌ترین احفاد چنگیز خان بود. در این استخلاص آن استعجال بیشتر نمودند. آن را بگشاد یا سا داد که هر جانوری باشد از اصناف بنی آدم تا انواع بهایم تمامت را بکشند و از ایشان کس را اسیر نگیرند و تا بچه در شکم مادر نگذارند و بعد از این هیچ آفریده در آن جا ساکن نگردد و عمارت نکنند و آن را ماوو بالیغ نهاد. فراسی دیه بد باشد و تا این غایت هیچ آفریده آنجا ساکن نشده است و این حال هم در اوایل شهر سنه ثمان عشره و ستمایه بود.»<sup>۲</sup>

شهر غلغله پس از آن که توسط چنگیز خان خراب شد، دیگر قد راست نکرد و به‌صورت شهر ارواح باقی ماند تا راوی تاریخ پر فراز و نشیب و سر انجام هولناک خود باشد.

۱ - رنه گروسه، امپراطور صحرا نوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، انتشارات علم و فرهنگ، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۹۷

۲ - عطا ملک چوینی، جهان‌گشای چوینی، با تصحیح محمد قزوینی، چاپ لیدن، ۱۹۱۱، ص ۱۰۵

چارلز مسن، رئیس اطلاعات ارتش بریتانیا در هند، در مقاله‌ای با عنوان آثار تاریخی بامیان احساس خود را از دیدن این ساحه چنین نوشته است: «مسافری که از بلندای غلغله، مجسمه‌های عظیم بامیان و مغاره‌های فراوان اطراف خود را مشاهده می‌کند، مجذوب مناظر آن گردیده و در تفکر اندیشه فرو می‌رود. و در ذهن خود ارتباطاتی مجسم می‌کند. خود منطقه غلغله از تمکین عجیبی بر خوردار است، نه فقط به خاطر اینکه از عظمت گذشته‌ها حکایت می‌کند بلکه به این خاطر که طبیعت، هیأت اسرار آمیزی به آن داده است. بادی از تپه‌ها و برج‌های آن می‌گذرد و صدای چندان حزن انگیز و صغیر دار تولید می‌کند. که حتی بی‌تفاوت‌ترین انسان‌ها را به تعجب وای می‌دارد. تأثیر آن چنان عجیب است که آهنگ غم انگیز آن بارها مرا که در کنار آن قدم می‌زدم به‌طور نا خود آگاه متوجه خود می‌ساخت و اکثراً برای ساعت‌ها می‌نشستم و تا این آهنگ را دوباره بشنوم. مردمان بومی منطقه دلیلی دارند که این صداهای غم انگیز و غیر طبیعی را آهنگ ارواح و اشیاء نامرئی توصیف نمایند. گمان می‌رود که اسم غلغله هم تشریح کننده‌ی این صداها باشد.»<sup>۱</sup>

در سال‌های اخیر شهر غلغله به دلیل موقعیت استراتژیکی خود، یکی از پایگاه‌های نظامی مهم بوده و یک دوره دیگر جنگ و کشتار را در خود تجربه کرده است. این جنگ و درگیری‌ها نیز اثرات خود را بر ویرانی این شهر باقی گذاشته است. بیننده‌ای که امروز از این شهر ویران باز دید کند، هم دیوارهای فرو نشسته کهن را خواهد دید و یاد جنگ‌های خونیناز گذشته خواهد افتاد، هم پا بر آثار و بقایای سلاح‌های مدرن خواهد گذاشت و صدای فیر و انفجار در ذهنش تداعی خواهد شد.

۱ - آثار تاریخی بامیان، چالرز مسن، ضمیمه‌ی سایه روشن‌هایی از وضع هزاره جات، حسین نایل

مدیر مسوول: محمد احمدی ۰۷۷۴۳۰۰۴۳۸  
سردبیر: عبدالرحمان رضایی ۰۷۷۸۴۱۲۸۵۶  
دبیر بخش سیاسی: رضا لعلی  
دبیر بخش گزارش و مصاحبه: الیاس طاهری  
عکس: جعفر رحیمی  
قیمت: ۲۰ افغانی  
چاپ: مطبعه چشمه